

بایدها و نبایدهای عزاداری

مشخصات کتاب

نویسنده: ناصر باقری بیدهندی

ناشر: ناصر باقری بیدهندی

سوگواری در اسلام

عزاداری و سوگواری هدفمند بر عزیزان از دست رفته، طبیعی بشر است و از مهر و محبت سرچشمه می گیرد و از آغاز آفرینش تا عصر حاضر رواج داشته است، لکن در این نوشته به رویکرد اسلام در این باره پرداخته می شود. با مراجعه به منابع معتبر می توان دریافت که پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در مرگ بسیاری از افراد گریست؛ مانند گریستن بر حمزه، جعفر، ابراهیم و عثمان بن مظعون. [۱] سال وفات حضرت خدیجه و جناب ابوطالب را در مکه، عام الحزن، یعنی سال عزانامید و سفارش به برگزاری مجالس عزافرمود. [۲] و مسلمانان نیز برای شهدای صدر اسلام سوگواری کرده و مرثیه خوانی کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها آنان را از این کار نهی نفرمود، بلکه عمل آنان را تأیید فرمود. به دنبال ارتحال حضرت محمد صلی الله علیه و آله، صحابه بزرگوار آن حضرت از دوری او به شدت گریستند، و در رثای حضرت سرودهایی انشاء کردند؛ [۳] چنانکه عایشه در مصیبت وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بر صورت خود سیلی زد. [۴] و اما از سال ۶۱ هجری که پیشوای آزادگان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با یاران و اهل بیت ایثارگش، در سرزمین کربلا بابل تشنه در کنار فرات با وضعیتی دلخراش و بی سابقه و به گونه ای مظلومانه به شهادت رسید، سوگواری به مدرسه سیار عمومی تبدیل شد تا برای تربیت و احیای امر پیامبر و ائمه علیهم السلام به صورت الهام درآید و وسیله ای برای روشن شدن حق از باطل و شناخت حسینیان از یزیدیان باشد.

حکم عزاداری

در خصوص جواز اشک ریختن در غم از دست رفتگان، همه مذاهب اسلامی اتفاق نظر دارند. اما درباره گریه با صدای بلند، شیعه، شافعیان و حنبلیان حکم به جواز کرده‌اند. [۵] (گرچه در مقام عمل و در مرحله انجام بیشتر اهل سنت به گریه کردن شیعه خرده می‌گیرند.) فقیه ماهر، صاحب جواهر در اثر گرانسنگ خود جواهر الکلام می‌نویسد: بدون شک گریستن بر متوفا به دلیل روایات متعددی که به حد تواتر معنوی رسیده و فتاوی فقها جایز است. و آنگاه به روایات گریستن رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حمزه سید الشهداء و فرزندش ابراهیم و جز آنان عثمان بن مظعون [و نیز گریه حضرت فاطمه علیها السلام بر پدر بزرگوار و خواهرش رقیه] و گریه ممتد و طولانی امام زین العابدین بر پدر بزرگوارش، اشاره می‌کند و سپس می‌فرماید: تمام این موارد نشان دهنده این واقعیت است که ندبه و نوحه‌سرایی برای کسانی که دارای ویژگی‌های برجسته‌اند، مانعی ندارد، بلکه مستحب است تا در پرتو مجالس عزاء، فضایل و مکارم آنان نشر یابد و دیگران سرمشق و الگو بگیرند. صرف نظر از لزوم یاد ایام الله، و لزوم تعظیم شعائر الهی [۶] و لزوم مودت نسبت به اهل بیت علیهم السلام و مواسات با اهل بیت و اخبار و احادیث متعدد و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و رفتار ائمه معصومین علیهم السلام و سیره مستمر که بر مشروعیت عزاداری در دست است می‌توان گفت برپایی این گونه مجالس امری عقلایی و در تمام مناطق جهان معمول است که در برابر حوادث شخصی و یا اجتماعی مراسمی تشکیل داده و به سوگ می‌نشینند. بنابراین عزاداری نه تنها جایز بلکه با توجه به آثار مترتبه و فوائد آن امری است رایج و مورد قبول تمامی خردمندان و اهل دانش می‌باشد. مؤمنان با شهادت امام حسین علیه السلام عزادار شدند گریستند [۷] مرثیه گفتند و به زیارت مزار شهیدان شتافتند. و تا زمانی که اسلام در صحنه است و پیامبر خاتم پیرو دارد این عزاداری باقی خواهد ماند، زیرا لازمه محبت بر آل پیامبر و

ادای حقوق آنان، عزاداری است و مراسم سینه زدن و زنجیر زدن و حرکت دسته‌های سینه‌زنی در خیابان‌ها و بازارها و روشن کردن چراغ‌ها و بلند کردن علم‌ها و پرچم‌ها قرن‌هاست که جریان داشته است و مورد تأیید علما و مراجع بزرگ در مقام فتوی و عمل بوده است. اگر این مراسم جایز نبود بزرگان دین خاصه آنان که دارای نفوذ و قدرت بودند از آن نهی می‌کردند. سکوت آن گرامیان و حضورشان در این مراسم، دلیل تأیید آنان است. فقهای اسلام شناس بقای عاشورا را ضامن بقای اسلام و عزت مسلمین می‌دانستند و لذا توصیه می‌کردند عاشورا را زنده نگه دارید.

تاریخچه مجالس عزاداری حسینی

از روزگار نخست خلقت آدم علیه السلام تا زمان وقوع حادثه جانگداز کربلا، جریان شهادت سید و سالار شهیدان امام حسین علیه السلام به طرق مختلف مطرح گردیده است. برای آن امام همام، انبیاء و امامان گریسته و یا متألم شده‌اند و از ضجیح فرشتگان و بکاء آنان در کتب مشهور، سخن به میان آمده است! صحابه بزرگوار رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز پس از آگاهی از حوادثی که در آینده اتفاق خواهد افتاد برای امام حسین علیه السلام گریه کرده‌اند در حالی که آن بزرگوار هنوز چشم به جهان نگشوده بود. پس از وقوع حادثه کربلا اولین کسانی که این مصیبت عظمی را با چشمانی اشکبار و دلی تافته از غم و حزن گزارش می‌کردند و بر خرمن هستی هر جنبنده‌ای آتش می‌افکندند، حضرت سجاد علیه السلام و عقیله بنی‌هاشم، زینب کبری علیها السلام و دیگر بازماندگان عاشورا بودند. آنان گاهی در کنار اجساد قطعه‌قطعه شده شهیدان، زمانی در بازار و کنار دروازه‌ها، گاهی در مجالس عمومی، زمانی در مسجد و در جمع نمازگزاران و گاهی در حضور حاکمان و فرمانروایان ستمگر و ظالمی همچون عبیدالله بن زیاد به بیان مصائب و ظلمی که بر شهیدان رفته بود مبادرت می‌ورزیدند. امام زین العابدین علیه السلام پیوسته سوگوار عاشورا بود و در این مصیبت بزرگ مدت سی و پنج سال گریست

و اهتمامش بر این بود که واقعه کربلا را در برابر دیدگان مردم مجسم سازد و آن را زنده نگاه دارد. امام باقر علیه السلام که در واقعه غم‌انگیز کربلا حضور داشت ذکر مصیبت عاشورا را در صحرای عرفات نیز توصیه می‌نمود. و امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم هر گاه از مصیبت سیدالشهداء علیه السلام یاد می‌کرد، اشک از دیدگانش جاری می‌شد. ایشان در بیت شریف خود فضا و مقدمات گریستن را مهیا می‌ساخت. محرم الحرام ماه حزن اهل بیت علیهم السلام بود و در این ایام غم و اندوه بر امام کاظم علیه السلام چیره می‌شد. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز اهمیت فراوانی به عزاداری امام حسین علیه السلام می‌داد. قصیده دعبل که در حضور آن جناب در رثای ابا عبدالله علیه السلام خوانده شده بسیار معروف است. و نیز آن امام همام به بازماندگان در شهر مدینه، ادامه این راه را توصیه می‌نمود. و دیگر امامان معصوم علیهم السلام هر یک در زمان خود در ترویج این سنت سنیه کوشا بودند و گاه خود از مصائب جدشان یاد کرده، به شدت می‌گریستند و دیگران را می‌گریاندند و ابراز احساسات در رابطه با مصائب جانسوز کربلا را از عالی‌ترین عبادات و ارزش‌ها می‌دانستند. اگر حادثه عاشورا یکی از روشن‌ترین فصول تاریخ شیعه است از این روست که اهل بیت در هر فرصتی به گزارش حادثه پرداخته و جزئیات واقعه را تشریح کرده‌اند. پس از زمان ائمه علیهم السلام هادیان امت به تأسی از مقامات عصمت و طهارت این راه را با پیگیری و پایداری پیموده‌اند و عزاداری امام حسین علیه السلام توسط وارثان مکتب اهل بیت، رونق خود را حفظ کرده است. پیروان صادق آن بزرگواران (خواص شیعیان) و عارفان به مقام امامت نیز با تأسی به انبیاء و اولیاء و تبعیت از رویه مراجع بزرگ تقلید شیعه به این سیره حسنه عمل کرده‌اند و هر گاه شرایط مهیا شده، آشکارا به عزاداری پرداخته‌اند. بنا بر گزارشهای تاریخی در عصر مأمون و بعضی دیگر از خلیفگان عباسی که شیعیان آزادی عمل مختصری داشتند به طور آشکارا به عزاداری سرور شهیدان می‌پرداختند. اما بعد از معتصم به دلیل سختگیری حاکمان ستمگر، عزاداری غالباً به صورت مخفی انجام می‌شد تا در سال ۳۵۲

هجری معزالدوله دیلمی - یکی از سلاطین بزرگ و مقتدر آل بویه - عزاداری روز عاشورا را به طور رسمی در بغداد معمول ساخت. [۸]. و در مصر نیز خلفای فاطمی به عزا و ماتم می پرداختند. [۹] در شهره قاهره که تازه آن را بنا کرده بودند، مانند بغداد، در روز عاشورا دسته عزاداری راه می افتاد. و از آن زمان به بعد مراسم عزاداری با شدت و ضعف ادامه یافت. تا زمان تیموریان که رونقی جدی گرفت و چنین بود که این حرکت به سایر کشورهای آسیایی نظیر ایران، برخی کشورهای عربی و شمال آفریقا رسوخ کرد و در عصر صفویه رونق کامل یافت. توجه مردم ایران به عزای حسینی زبانزد خاص و عام بوده و هست و ان شاء الله تعالی خواهد بود. از برکت خون امام حسین و یاران جانباخته اش امت مسلمان هر سالی پر شورتر از سال قبل، یاد و خاطره سالار شهیدان و فداکاری هایشان را پاس داشته اند. در بلاد شیعه آن اندازه که مجلس تذکر به یاد اولیای الهی، خصوصاً به یاد فداکاری بی نظیر سید الشهداء علیه السلام تشکیل می شود هیچ مجلسی دینی و سیاسی و ادبی و اجتماعی دیگری منعقد نمی گردد. اهمیت عاشورا به اندازه ای است که نه تنها شیعیان، بلکه بسیاری از اهل سنت نیز در آن روز عزاداری می کنند [۱۰] زیرا محبت ذوی القربای پیامبر صلی الله علیه و آله تنها اختصاص به شیعیان ندارد. حتی پیروان دیگر ادیان و مذاهب الهی، برای امام حسین علیه السلام و مراسم سوگواری آن حضرت احترام قائلند و وقتی نام مقدسش را می شنوند در خود احساس همبستگی و ارتباط و گاه شیدایی می کنند و در تشکیل مجالس عزا، بویژه در عاشورای حسینی، اهتمام می ورزند و بخشی از ثروت و ساعت ها از وقت خود را به این امر مقدس اختصاص می دهند و در ماه حزن و اندوه آل محمد صلی الله علیه و آله محزون اند و از مدرسه عشق و ایثار او بهره می برند. گمان نمی کنم کسی در میان مدافعان حق و حقیقت و شهدای راه فضیلت شخصی نظیر امام حسین علیه السلام دیده باشد که پیروان همه مذاهب این گونه از او یاد کنند. و نیز هیچ حادثه ای را در عالم نمی توان نشان داد که چنین تأثیری داشته باشد و ملت های مختلف را تحت تأثیر قرار داده باشد. حادثه جانگداز

طف چنان اثر عمیقی بر ارکان تشیع گذاشت که افشار مختلف به فراخور حال و درجه کمال، به ایفای رسالت پرداختند: تاریخ نگاران و نویسندگان متعهد و آگاه در بعد نظری و عملی و جنبه‌های حماسی قیام عاشورا در حد توان بعدی از ابعاد آن را دیده و کاویده و از آن دریا سبویی به ارمغان آورده و کتاب‌ها و رساله‌های بیشماری نگاشته‌اند. [۱۱]

عاشقان دل‌باخته نهضت عاشورا مجالس ذکر اهل بیت برپا داشته، شاعران مکتب آل الله با سروده‌های آتشین، ضمن ابراز سوز و گداز درونی خویش، حماسه و خروش دلاورمردان عرصه طف را به بهترین وجه و مهیج‌ترین شکل به تصویر کشیده‌اند. اشعار ارزنده و دلنشین این قشر همواره در خاطره‌ها جاوید و باقی است. واعظان متعظ و ذاکران متعهد با ایراد سخنرانی‌های پرشور و حزن‌انگیز، شراره‌های غم و اندوه به خرمن دل‌های عاشقان حسینی زده، با تواضع و خاکساری تمام به روضه جانکاه شهیدان دشت کربلا دست یازیده، و مرثیه‌سرایی نمودند و با ذکر مصیبت‌های عاشوراییان، و اشک و آه شیعیان حاضر در مجلس رنگ و بوی خاصی به محافل بخشیدند که هر کدام در حد اخلاص خود، مثاب و مأجور خواهند بود. در یک سخن هیئت‌های مذهبی، چنان عظمت و جاذبه‌ای داشته که قلوب توده‌های وسیعی از علاقه‌مندان به آن پرکشیده و خواهد کشید. آری این گونه بود که یاد محرم ۶۱ هـ و حماسه‌سازان قیام خونین عاشورا پا به پای عصرها و نسل‌ها در بستر تلاطم تاریخ شکوفا ماند و فراز و نشیب‌های تاریخی آن را محو نکرده بلکه به عنوان عنصری زنده و پویا و نقطه عطفی درخشان، نقش آفرینی می‌کند.

اهداف برپایی مراسم

اشاره

این مراسم بابرکت از دیر باز نقشی فعال در رشد باورهای مذهبی و فضایل و کرامت‌های انسانی و فراموش نشدن خاطره سلحشوران عاشورا و شناساندن مقام پیشوایان بزرگ

اسلام و افشاگری جنایت‌های بیدادگران، ایفا کرده است که ما در اینجا به شماری از آثار و فواید آن اشاره می‌کنیم! اقامه عزای حسینی بزرگداشت شعائر الهی و نمایش جلوه تام و تمام تولی و تبری است. هدف امامان اهل بیت علیهم السلام از این همه پافشاری بر زنده نگهداشتن نام و یاد و خاطره مقاومت بزرگ حامی حق، امام حسین علیه السلام احیای اهداف و مقاصد والای آن حضرت و ابلاغ مظلومیت آل علی علیه السلام به گوش تاریخ بوده است. و هر جمعیتی که از فداکاران و شخصیت‌های خدوم خویش تکریم نکند محکوم به زوال و نابودی است. این امر عزاداری و مجالس حسینی به دلیل قالب و محتوای جذابی که دارد، بهترین راه انتقال معارف اسلامی و احکام الهی و صیانت دین از انحراف و از هجوم بی‌امان دشمنان قسم خورده است. که به عنوان یک حرکت تبلیغی در عرصه‌های گوناگون، در برابر اندیشه‌هایی که از طریق جریان‌های لائیک یا از سوی ابزارهای استکبار جهانی رو در روی اسلام می‌ایستند مقاومت می‌کند. و همین است معنای «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» [۱۲] اگر قیام شکوهمند و خوبنار حسینی نبود، در همان قرن اول خورشید اسلام افول می‌کرد، و از شریعت نبوی اثری بر جای نمی‌ماند. تعبیر بلند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود «حسین از من و من از حسینم» [۱۳] تجلی نقش قیام حسینی در بقای اسلام است و جمله‌ای که می‌فرماید: «إِنَّ الْإِسْلَامَ مُحَمَّدِيُّ الْحُدُوثِ وَ حُسَيْنِيُّ الْبَقَاءِ» [۱۴] در همین راستا قرار می‌گیرد. اگر اسلام در وجود و حدوثش مدیون محمد صلی الله علیه و آله بود، در تداوم و پایداریش مرهون سالار مدافعان حریم حقیقت، حسین علیه السلام است. پس نباید فراموش کرد که ما هرچه داریم از حسین علیه السلام داریم، زیرا شهادت اوست که تا دامنه قیامت دستورات اسلام را برای ما زنده نگه می‌دارد. همچنین با تشکیل چنین اجتماعی، روحیه فداکاری و ایثار در اجتماع و حس عدالت‌خواهی و انتقام‌جویی از ستمگران زنده نگاه داشته و تقویت می‌شود و صبر و خویشتنداری در مشکلات و ناهنجاری‌ها افزون می‌گردد. و نیز یادآوری نهضت حسینی نیرومندترین انگیزه‌ها را در جهت توسعه امر به معروف و

جلوگیری از زشتی‌ها ایجاد می‌کند، و آتش انقلاب‌های خونین بر علیه ستمگران را برافروخته می‌سازد. در این گونه مجالس با امامان تجدید بیعت شده و اجر رسالت طاقت‌فرسای نبوی تا حدودی ادا می‌گردد، چرا که حضور در این مجالس، تأیید ضمنی افکار و اهداف والای حضرت اباعبدالله علیه السلام که همان منویات پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله می‌باشد، محسوب می‌گردد. امروزه مجالس امامان اهل بیت علیهم السلام همچون حج ابراهیمی یکی از عوامل مهم اتحاد عاطفی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان است، [۱۵] اتحادی که فراهم ساختن آن با پول و امکانات مادی، دشوار و بلکه نزدیک به محال است. برپایی مجالس عزاداری حسینی به نمایش گذاردن زیباترین تصاویر از کرامت‌های انسانی است که با دست توانای ولایت ترسیم شده است. در این مجالس روح و روان انسان با یاد شهیدان آزاده و شنیدن شرح از خود گذشتگی آنها به اهتزاز درمی‌آید و آسمانی می‌شود. دوستدار ابا عبدالله الحسین علیه السلام اگر از معرفت لازم برخوردار باشد، در صدد برمی‌آید تا حد امکان صفات و سجایای خویش را مانند محبوبش کند، آینه رخسارش شود و روز به روز به شفافیت خویش بیفزاید، تا جمال دلارای محبوب در آن بهتر نمایان گردد. به قول مقام معظم رهبری: حرکت موکب‌های حسینی در دهه اول ماه محرم به مانند جاری شدن آب باران است که تمام پلیدی‌ها و تلقینات فاسد دشمنان را از محیط جامعه می‌زداید و به آن روح تازه‌ای از عشق و ایمان الهی می‌دمد. همین اشک‌ها در مجالس عزا بوده که در طی چند قرن هزاران نفر را به آغوش اسلام ناب محمدی رهنمون شده است. [۱۶] در پرتو این مجالس که خود از شعائر اسلامی است، بسیاری از شعائر دین احیا می‌گردد. مردم شهیدپرور ایران شاهد بودند که انقلاب اسلامی ایران از این مجالس و این تاریخ پر عظمت و از عاشوراها و تاسوعاها سرچشمه گرفت. [۱۷] و انقلابیون، از نهضت امام حسین علیه السلام و ماجرای خونین کربلا، الهام گرفته در راه پایداری در برابر کفر و ستم را از آن حضرت آموختند. آری بی‌جهت نبوده که بزرگ مرجع تقلید شیعه در عصر

خود مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی - اعلی الله مقامه - ثلث مال خود را وقف اقامه مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام نمود تا همه ساله با نظارت اوصیاء ایشان مصرف شود. [۱۸]. حال که سوگ حسینی، تا این درجه برکت و اهمیت دارد، باید آن را مغتنم شمرد و رسم و رسومش را باشکوه‌تر و سازنده‌تر برگزار نمود و همچون گوهری گرانبها از آنها محافظت نمود. فریادهای بعضی از عالمان شیعه مانند: محدث والا مقام میرزا حسین نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان علامه سید محسن امین در رساله التنزیه لاعمال الشبیه و استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری در کتاب حماسه حسینی را نباید فراموش کرد که هر یک در اصل ناظر به همین نکته بنیادین است. اگر بعضی مقتل نویسان در مورد برخی بدعت‌ها و تحریف‌ها پیرامون عزاداری حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام کوتاهی نمی‌کردند و فقیهان و سخنوران برجسته - کثرالله امثالهم - مانند گذشته مجالس حسینی را اداره می‌کردند و روضه‌خوانی و ذکر مصیبت را با مقام علمی خود در تعارض نمی‌دیدند و توصیه‌های راهبردی محدث نوری‌ها، علامه بیرجندی‌ها، محدث قمی‌ها، شهید مطهری‌ها و مراجع عظام تقلید [۱۹] مورد توجه قرار می‌گرفت، و مسیر عزاداری‌ها به سمتی که معصومین علیهم السلام خواسته بودند، هدایت می‌شد و مرثیه‌خوانان به قیمت گرمی یک مجلس، دروغ‌های سرد به کربلا نمی‌بستند، و جامعه محترم مداحان نظارت مستمر بر روند اجرای مداحی‌ها داشتند. و رشد فکری مردم ولایی بدان پایه بود که ضرورت بازنگری در مجالس حسینی را باور می‌کردند، همه آثار مقدس و مهمی که مورد توجه پیشوایان شیعه در ترغیب به تعزیت و تشویق به سوگواری و تحضیض به عزاداری و تحریص به اقامه مراسم تأبین بوده است، بهره‌برداری می‌شد. اکنون نیز می‌توان با زودن آفات و پالایش و پیراستگی آن از سنت‌های غلط از این گوهر گرانبها محافظت نمود و از قدرت سازندگی بسیار بالای آن برخوردار شد. و تحول بزرگی در برابر کفر و استکبار به وجود آورد.

عوامل مؤثر در جاودانگی، گسترش و تحول مراسم عزاداری

تشویق و ترغیب شاعران آیینی به مرثیه سرایی

نک: کامل الزیارات، ص ۱۱۴-۱۱۱. امامان معصوم - که درود خدا بر آنان بود - هنگامی که شاعران متعهد و مرثیه‌سرایان خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به حضورشان شرفیاب می‌شدند آنان را مورد تشویق و دلجویی قرار می‌دادند و از ایشان می‌خواستند سروده‌های خود را در رثای سید الشهداء علیه السلام در حضورشان بخوانند. [۲۰]. زید شحام گوید: با گروهی در حضور امام صادق علیه السلام بودم که جعفر بن عفان طائی (م: ۱۵ ه. ق) از مرثیه‌سرایان بنام شیعی وارد شد. حضرت احترام شایانی کرده او را نزد خویش نشاند و فرمود: شنیده‌ام در رثای حضرت حسین علیه السلام اشعار شایسته‌ای سوره‌ای، آیا درست است؟ او گفت: آری. فرمود: بخوان. او اشعار خود را قرائت کرد و امام علیه السلام و حاضران متأثر شده، گریه کردند و قطرات اشک از گونه‌های امام سرازیر شده آنگاه فرمود: ای جعفر، سوگند به خدا، فرشتگان مقرب الهی در این مجلس حاضر شدند و سروده تو را در مورد حسین علیه السلام شنیدند. آنان بیش از ما گریستند. خداوند در این زمان بهشت را بر تو واجب ساخت و تو را آمرزید. و در پایان فرمود: هر که شعری در مرثیه حسین علیه السلام بسراید و گریه کند و بگریاند خداوند بهشت را بر سراینده واجب کرده او را می‌آمرزد. [۲۱]. شایان ذکر آنکه گاهی خود امامان اهل بیت مرثیه‌های بلند و شیوایی انشاء می‌کردند. [۲۲] و گاه علاوه بر بزرگداشت معنوی شاعران، با دادن صله، آنان را تشویق و تکریم می‌کردند. یا عطایای امام باقر علیه السلام به کمیت، و هدایای امام صادق علیه السلام به اشجع سلمی و تشکرش از سید حمیری و همچنین صله دادن امام هشتم علیه السلام به دعبل خزاعی و ابراهیم بن عباس همه و همه حاکی از این حقیقت است و نشان می‌دهد که برپایی مراسم ماتم داری برای شهیدان کربلا در سیره آن بزرگان اهمیت وافری داشته است. این اهتمام‌ها و تشویق‌ها سبب شد که رخداد بی‌بدیل کربلا

همواره زنده و پویا بماند و نام نامی سیدالشهداء علیه السلام شعار بنیادین انقلابیون علیه ظلم گردد و به تعداد شاعران متعهد و انقلابی روز به روز اضافه گردد. هدایایی که امام سجاد علیه السلام به فرزدق داد و دعایی که در حق کمیت اسدی کرد.

گریستن و گریانیدن

اشک و ندبه مثبت در مصیبت سیدالشهداء و [۲۳] برادران و یارانش شیوه دیگری است که کارایی بسزایی در جاودانگی نهضت حسینی داشته و مورد تأکید عترت طاهره بوده است. آن بزرگواران در سوگ امام شهیدان و اصحابش هم خود اشک ریخته و گریه می کردند [۲۴] و هم دیگران را بر گریه و ندبه و تباکی [۲۵] تشویق می کردند. زیرا در بسیاری از روایات به طرق مختلف به گریستن و گریاندن توصیه شده است. از جمله امام علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثنا - به ریان بن شیب (دایی معتصم) فرمود: اگر می خواهی بر چیزی بگری، بر حسین بن علی علیه السلام مویه کن چرا که سر آن بزرگوار از بدن جدا شد. [۲۶]. این گونه احادیث انگیزه‌ای قوی برای شیفتگان امام حسین علیه السلام ایجاد نمود تا خود را از این بارش مغفرت و ریزش رحمت رحمانی محروم نسازند. اگر این گریه‌ها و یادها نبود، چه بسا حادثه نینوا از خاطره‌ها محو می شد و یا از طراوت و نشاط می افتاد. و کسی امروز امام حسین علیه السلام را نمی شناخت و راه حسین گم شده بود.

توصیه و ترغیب به زیارت سرزمین کربلا و سالار شهیدان

از شیوهایی که مرزبان آیین برای ماندگاری حماسه عاشورا به کار گرفتند، توجه فراوان به زیارت امام حسین علیه السلام بود. به طوری که حجم قابل توجهی از روایات کتاب پیراج کامل الزیارات، و کتاب‌های مزار به عبارت‌های مختلف این مطلب را می‌رساند. در اعیاد، در ایام عزا، در شب‌های قدر و ایام و لیالی مخصوص عبادت و شب‌ها و

روزهای جمعه به زیارت سیدالشهداء علیه السلام توصیه شده و برای آن ثواب‌های بی‌حدی ذکر نموده‌اند. در سایه توصیه و ترغیب و تشویق عاشقان برای زیارت، خاطره عاشورا و فداکاری‌های حسین علیه السلام و یارانش زنده نگاه داشته شده است. [۲۷].

ارج نهادن به خاک کربلا و سجده نمودن بر تربت آن حضرت

از شیوه‌های دیگر ائمه‌علیهم السلام برای احیای حماسه حسینی، نگاهداری تربت و توصیه به سجده بر خاک آسمانی سید الشهداء علیه السلام است که در آن نشانه‌های توحید و عشق و ایثار در راه معبود وجود دارد و نماز گزار را در حال سجده به یاد ارواح پاک و طیب و طاهری می‌اندازد که جان‌های خود را در راه محبوب نثار کرده‌اند که دل و روح انسان را با فرهنگ عاشورا آشنا و مأنوس می‌کند. این چنین الگوها اثر تربیتی و معنوی عجیبی در جان و روان انسان خواهد گذاشت. [۲۸].

تشویق به برگزاری مجالس ذکر مصیبت و تبیین اهداف نهضت حسینی

نک: اقناع اللائم علی اقامة المآتم؛ احسن الجزاء فی اقامة العزاء، علی سید الشهداء علیه السلام؛ تاریخ النیاحه علی الامام الشهید حسین بن علی؛ سیرتنا و سنتنا؛ مجالس الفاخرة فی مآتم العتره الطاهره. امامان شیعه علاوه بر آنکه خاطره عاشورا را زنده نگه می‌داشتند [۲۹] همواره پیروان خود را ترغیب به این مهم می‌کردند که هر ساله با سوز و گداز و همراه با گریه و زاری به عزاداری بپردازند. عالمان دین نیز با پیروی از شیوه رفتاری پیشوایان معصوم در گسترش این فرهنگ کوشیدند و همواره شیعیان را بر ادامه این امر مقدس توصیه می‌فرمودند. عوامل یادشده سنتی را پایه‌گذاری کرد که برای همیشه نام و یاد حماسه‌آفرینان عاشورا در خاطره‌ها زنده ماند و به الگویی جاودانه تبدیل شد و مردم به وظایف خود در برابر طاغوت‌های زمان آشنا شدند و دریافتند که: با شعار «یا مظلوم» می‌توان هر ظالمی را رسوا کرد. و بدین گونه حادثه کربلا با عمق جان و دل با باورهای

اعتقادی، اجتماعی انسانی مردم گره خورد و نفرتی عمیق و دائمی از ستمگران در دل‌ها کاشت و دین اسلام را شاداب و خرم نگاه داشت. و مجالس حسینی آثار و برکات فراوانی داشت. بی‌جهت نیست (مارتین) نویسنده آلمانی، منبرهای حسینی را - در صورتی که خوب تنظیم و از آنها استفاده شود - از مهم‌ترین عوامل پیشرفت مسلمین می‌داند. سوگمندان امروز عاشورا با همه اهمیت و جایگاه مهمی که در فرهنگ اسلامی دارد عمق و محتوایش را از دست داده و پیام اصلی آن (ظلم‌ستیزی و عدالت‌جویی) فراموش گشته است. برای همین «مسائل عاشورا» جای خود را به «مصائب عاشورا» داده و بعد عاطفی غالب و بعد معرفتی آن فراموش شده، و مرثیه‌ها نیز بعضاً بی‌محتوا و سبک گشته و هماهنگی کامل با فکر و اندیشه امام حسین علیه السلام و قیام او ندارد و پیام عاشورا در آنها کم‌رنگ است و یا اصلاً مشهود نیست. و آنچه در غالب مجالس سوگواری مشاهده می‌شود، اصوات موزون مداحان و لوازمات جانبی آن است که از سوی مستمعان ایجاد می‌گردد. اگر شیعیان به محتوای قیام و پیام‌ها و درس‌های آن نیز توجه می‌کردند و از آن به خوبی الگو می‌گرفتند، جامعه ولایی آنان جزو پیشرفته‌ترین جوامع بود. افسوس که با راه رفتن آفات به عزاداری بهره در خوری از آن نصیب تشیع نمی‌شود. [۳۰] برای اینکه عزاداری‌ها رشد و بالندگی افزون‌تری پیدا کند ضروری است عزاداری‌ها در پرتو رهنمودهای مراجع بزرگوار تقلید و روحانیت متعهد و متخصص و آگاه با آفاتی که رهاورد عاشورا را تهدید می‌کند، مبارزه شود و به آن محتوای سازنده داده شود. و ارکان تشکیل‌دهنده این مجالس با مسؤولیت‌های خویش آشنا شوند و به اندازه توان، نقش خویش را ایفا کنند.

وظایف شیعیان

امت اسلامی نسبت به عاشورا مدیون است و ادای دین، مسؤولیت‌هایی را ایجاب می‌کند. گذشتگان از شیعیان و علویان در عصر و زمان خود مسؤولیت‌هایی داشتند که آن را انجام

دادند و اینک زمان و فرصتی دیگر و مسؤولیتی دیگر برای حاضران است که برای گرامیداشت عاشورا و یاد شهیدان و بیان هدف و معرفی آرمان شهیدان از جان بکوشند. مسؤولیت و تکلیف شیعیان در قبال عاشورای حسینی به قرار زیر است: ۱. شکرگزاری بر نعمت ولایت و تربیت بر طریق مکتب اهل بیت علیهم السلام و بر توفیق شرکت و درک مجالس اهل بیت علیهم السلام و درخواست دوام آن. ۲. قدرشناسی و دعا به والدین و مریبانی که آنان را با مجالس حسینی مأنوس کردند و یاد کرد کسانی که مجالس حسینی را به یاد داشتند. ۳. قدر مسلم پیروان راستین امام حسین علیه السلام - اگر متعهد باشند - خود را موظف به شناخت کامل از فلسفه قیام حضرت می‌دانند و در رساندن پیام‌های عاشورا سعی و کوشا هستند و در این راستا برای خنثی کردن دسیسه عاشوراستیزان از هیچ گونه اقدام مالی و جانی دریغ نمی‌ورزند و تا مرز ایثار پیش می‌روند. ۴. هم و حزن قلبی که اولین مرتبه عزاداری است. به این معنا که عزاداران امام حسین علیه السلام مصیبت اهل بیتش را به مراتب بزرگ‌تر از مصائب خود و خانواده‌اش به حساب آورند. ۵. عزاداری و ابراز حزن و اندوه در ایام حزن آل محمد که مرتبه دوم عزاداری است. ریان بن شیب گوید: در نخستین روز ماه محرم به محضر امام هشتم رسیدم به من فرمود: «يَا بَنَ شَيْبِ، إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّاتِ فَاحْزُنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». [۳۱] پسر شیب، اگر دوست داری با ما در درجات عالی بهشت باشی، در حزن و اندوه ما اندوهگین و در شادی ما شادمان باش و محبت و دوستی ما پیشه کن که اگر انسان در این جهان سنگی را دوست داشته باشد، خدای متعال او را در روز قیامت با همان محشور می‌کند». ۶. سیاه پوشیدن و سیاه پوش کردن در و دیوار منازل، حسینه‌ها، تکیه‌ها و مجالس عزاداری که نشانه حزن و اندوه و کاشف از جوش عشق و علاقه شیعیان به مقام ولایت است. ۷. تشکیل مجالس عزا و شرکت در محافل سوگواری به منظور رونق بخشیدن به مجلس و آشنایی به وظایف و احکام شرعی و شناخت راه و روش سرور

آزادگان. ۸. دیگران را نیز به برگزاری مجالس هفتگی، ماهانه تشویق کند زیرا افراد هر چند متدین نباشند، در جلسات خانوادگی شرکت می‌کنند. در حدیث است که امام صادق علیه السلام با لحنی تشویق‌گونه خطاب به فضیل بن یسار می‌فرماید: آیا مجلس تشکیل می‌دهید و با هم درباره ما سخن می‌گویید؟ فضیل بن یسار می‌فرماید: آری. حضرت می‌فرماید: من مجالسی را که در آن از ما یاد شود دوست دارم پس یاد ما را زنده بدارید.

[۳۲]. ۹. بهره‌برداری بهینه از مجالس با رعایت حریم و حقوق دیگران با خودداری از آزار و در تنگنا قرار دادن دیگران. در قرآن می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا...». [۳۳]. ۱۰. حزن و گریه به هنگام ذکر مصیبت که جزو برترین اعمال در عزاداری و دژ محافظی در برابر سختی‌های روز قیامت است. ۱۱. با کمال ادب و فروتنی در مجالس حاضر شدن و خدای بزرگ را ناظر بر خود دانستن. ۱۲. شرکت در مجالسی که خطبای صالح و مصلحت‌اندیش و محقق دارد تا از وقتی که در اختیار می‌گذارد بهترین استفاده را ببرد. ۱۳. توجه اساسی به عمق مجلس و پرهیز از رغبت به مجالس و مداحی‌های پرهیاهو و بی‌محتوا یا کم‌محتوا. ۱۴. سلام کردن بر سلاله نور و حماسه‌ساز اعصار و قرون مولی‌الکونین، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام در هر روز که از بزرگ‌ترین توفیق‌ها و ارزشمندترین نعمت‌ها است. ۱۵. اعلام تنفر و دوری از دشمنان و پلیدانی که زمینه قتل ائمه‌علیهم السلام را آماده کردند و کشندگان و ظلم‌کنندگان به اهل بیت عصمت و طهارت که آثار مثبت بسیاری دارد. ۱۶. تسلیت‌گویی به امام عصر علیه السلام و به یکدیگر در ایام عزاداری خصوصاً عزای سیدالشهداء علیه السلام طبق نقلی از امام باقر علیه السلام این گونه بگوید: «خداوند، پاداش ما را در مصیبت ما نسبت به حسین علیه السلام افزون بدارد و ما و شما را از خونخواهان او قرار دهد، در رکاب ولی خود، مهدی آل محمد». [۳۴]. ۱۷. پرهیز از هر رفتاری که خارج از ضوابط اسلامی باشد. ۱۸. بهره‌برداری بهینه از این گونه مجالس در راستای افزایش سطح آگاهی دینی و در میان‌گذاردن مسائل شرعی، سؤالات اعتمادی، اخلاقی و... با سخنرانان

مجلس ۱۹. شناخت و مبارزه فرهنگی با آفات عزاداری با توجه به رهنمودهای مراجع تقلید. ۲۰. اقامه امر به معروف و نهی از منکر. اگر حاضران در مجلس شاهد منکری در عزاداری بودند (مانند غناخوانی مداح، به کار بردن آلات لهو و لعب) نبایستی از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنند و اجازه دهند در چنین مجالس مقدسی کار منکر انجام شود. تا همچون کسانی که پیشتر به خاطر کوتاهی در انجام این مسؤلیت مورد نفرین قرار گرفتند، مورد نفرین واقع نشوند «لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ، كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ». [۳۵]. ۲۱. احترام به خادمان و ذاکران و روحانیون و کلیه کسانی که منتسب به هیئت حسینی هستند و حسین علیه السلام را دوست دارند زیرا محب حسین علیه السلام محبوب خدای بزرگ است. ۲۲. یاری رساندن به گرداننده و یا گردانندگان اصلی آن و بانوان برای پذیرایی از بانوان داوطلب همکاری شوند. ۲۳. قدردانی و تشکر از برپا دارندگان و دست‌اندرکاران مجلس. ۲۴. در صورتی که هیئت در منزل برگزار می‌شود پس از صرف غذا زودتر پراکنده شوید و مشکل برای بانیان فراهم نیاورید. ۲۵. دست کشیدن از کار در عاشورا برای برپا داشتن آیین عزاداری، زیرا امام رضا علیه السلام فرمود: آن کس که روز عاشورا کارهای خویش را تعطیل کند، خدا حوائج دنیا و آخرتش را برآورد. [۳۶]. ۲۶. قدردانی محترمانه از ذاکران و روحانیون، دانشمندان و پاسداران فرهنگ عاشورا. ۲۷. مواظبت بیشتر درباره امور شرعی پس از خروج از مجالس حسینی. ۲۸. شرکت فعال در ساختن حسینیه‌ها و تکیه‌های مذهبی که گامی است در جهت گسترش آیین عزاداری.

وظایف بنیانگذاران و گردانندگان

اشاره

برگزارکننده مجالس اهل بیت که بخشی از عمر خود را وقف خدمت به اهل بیت نموده و در این راه از استعدادها، توانایی‌ها و امکانات خود حداکثر استفاده را کرده‌اند و در این راه از بذل مال و صرف عمر و تحمل رنج و زحمت دریغ نمی‌ورزند - در صورتی که با رعایت ملاک‌ها و موازین شرعی باشد در زمره رواج دهندگان خیر و مسببان تبلیغ دین و احیای امر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و علاوه بر پاداش عمل خود، در ثواب دیگران نیز شریک‌اند، مشروط بر آنکه مجالس خود را بر پایه شناخت عمیق و صحیح برپا نمایند و با رعایت شرایط و آداب به انجام این کار دقیق و ظریف پردازند. زیرا اگر بانیان و عوامل اجرایی، جاهل به هدف عزاداری و ظرافت‌های مخصوص آن باشند، و رعایت حدود را نکنند نمی‌توانند نتیجه در خوری از مجالس خود بگیرند. و یکی از دلایل مهمی که فرهنگ عاشورا به طور کامل نتوانسته است نقش خود را ایفا کند و آموزه‌های اصلاحی و احیاگرانه قیام عاشورا را بازتاب دهد، همین موضوع است. پس این عزیزان به منظور بالا بردن میزان اثر بخشی مجالس و بهره‌وری بیشتر از نعمت عزاداری بایستی امور زیر را رعایت کنند: ۱. رعایت اخلاص در عمل پرهیز جدی از ریا و خودنمایی - که آفت هر عمل عبادی است زیرا عزاداری از مصادیق عبادت است و قوام عبادت به خلوص نیت است. [۳۷] و بدون نیت خالصانه این فعالیت‌ها ثمر چندانی برای انجام دهندگان آنها نخواهد داشت. ۲. اموالی هزینه کنند که حقوق شرعی آن - مثل خمس و زکات - ادا شده باشد. ۳. اگر از هدایای دیگران استفاده می‌کنند توجه و عنایت به حلیت آن داشته باشند. ۴. تلاش کنند عمل خود را از هر جهت صحیح انجام دهند و بیش از آنکه به زرق و برق و تدارکات مادی مجالس و جنبه‌های ظاهری آن بیندیشند به محتوا و کیفیت آن فکر کنند و معناگرایی را بر شکل‌گرایی برتری دهند و در انتخاب سخنران شایسته و ذاکران نکونام دقت داشته و با عالمان وارسته حوزوی مشورت کنند تا ضایع‌کننده اوقات و نیروهای مالی و انسانی نشوند و به اجرای تشریفات خشک و کم‌اثر و یا مجالس دور از آگاهی دل‌خوش ندارند. و از گویندگانی دعوت

کنند که برخوردار از مراتب علم و فضل و پارسایی و پایبند به اصول اخلاقی باشند و بتوانند معارف و احکام اسلام و اهداف والای حسینی را به درستی تبیین کند. کاملی باید در این راه شگرف تا کند غواصی این بحر ژرفباید به این نکته توجه کرد که هر کس با حفظ چند قطعه شعر و چند حکایت و برخورداری از صدای خوب و اندکی هم قدرت لفاظی که نام مداح بر خود نهاد، مداح نیست. نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند نه هر که آینه سازد سکندری داند هزار نکته باریک تر زمو اینجاست نه هر که سر بترشد، قلندری داند! پس باید از نوحه خوان‌های امام‌شناس، خوش‌نام، متدین، متعهد، معروف به تقوا و راستگویی و امانتداری - که به فضل خدا بسیار داریم - دعوت کنند تا از مجلس بهترین استفاده به عمل آید. عارف و اصل، عالم ربانی آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی - که رضوان خدا بر او باد - در این باره می‌فرماید: کسی را برای خواندن مصیبت دعوت کنند که باتقوا و در خواندن مصیبت راستگو باشد. برای اینکه عزاداران محترم با فلسفه قیام و شهادت و اهداف والا و مقدس پیشوای شهیدان بیشتر آشنا شوند بهتر است تمام تلاش و کوشش بر این مطلب استوار باشد که مداحان عزیز مانند گذشته با پیشخانی، مجلس را برای سخنران مجلس آماده کنند و بیشترین وقت در اختیار منبری باشد. بویژه در هنگامه فتنه‌ها و به هنگام مشوش شدن افکار و باورهای مردم، برخورد عاطفی صرف با مقوله عزاداری و خالی از محتوا کردن مجالس مذهبی و مداح سالاری و در حاشیه قرار دادن منبر و وعظ و فرعی شدن مسائل اصلی که امروزه رایج شده است نه تنها مردم را در سطحی نازل از ایمان و آگاهی قرار می‌دهد، و اعتقاد و باور آنها را نیز بسیار شکننده و آسیب‌پذیر می‌سازد، بلکه جدی‌ترین عامل ورود آفت‌های بسیار در بنیاد و بنیان فرهنگ عاشورا و تجلی اسلام منهای روحانیت است که بزرگ‌ترین ضربه را به اسلام وارد می‌نماید. و مسلماً صاحب شریعت و حضرت امام حسین علیه السلام بدان راضی نیستند. زیرا بی‌توجهی به شرح و بسط ماجرای کربلا و اهداف سازنده آن، زمانی پیش می‌آورد که خدای ناخواسته اهداف آن نادیده گرفته شود و حتی اصل حادثه نیز مورد

انکار قرار گیرد. و نیز رویکرد به دین بدون تفقه، موجب آسیب دیدگی دین و دینداری می شود. بنابراین اگر بانی محترم می خواهد که مردم «اسلام خواه» ما «اسلام دان» هم بشوند و بذره های دین گریزی و احیاناً دین ستیزی از مغرب زمین در جوامع ولایی پاشیده نشود باید با هوشیاری از منبر حسینی استقبال بکند. ۵. تأمین و اعطای هدایای سخنرانان و ستایشگران آل محمد به نحو شایسته آن هم به صورت مخفیانه به منظور پاسداشت بیشتر عزت و مقام رفیع آنان. ۶. برخورد یکسان با شرکت کنندگان مگر نسبت به افراد خاصی که از احترام بیشتری برخوردارند، از جمله پیش کسوتان هیئت های عزاداری و صاحبان فضل و کمال. ۷. پرهیز از منکرات در عزاداری. فقیه نامی میرزای نایینی (قده) در پاسخ به استفتای اهالی بصره و اطراف آن در خصوص حرکت دسته جات عزاداری مرقوم داشته اند: راه افتادن دسته های عزاداری در دهه عاشورا و روزهای مانند آن در کوچه ها و خیابان ها، از آشکارترین مصادیق عزاداری و رسانیدن پیام حسینی به دور و نزدیک است و اشکالی ندارد. در عین حال لازم است، این شعار بزرگ را از هر کار ناپسند که شایسته برای چنین عبادتی نیست، پیراست. از خوانندگی حرام و به کارگیری ابزار لهو و رقابت دسته جات در جلو و عقب افتادن از یکدیگر باید پرهیز شود. اگر این قبیل اتفاقات و کارهای ناپسند رخ دهد، حرام است، هر چند حرام بودن آن به حرکت دسته برای عزاداری سرایت نمی کند [۳۸] همچون نگاه کردن به زن نامحرم در حال نماز است که خود عملی حرام است ولی نماز را باطل نمی کند. [۳۹]. ۸. برگزاری مجالس در ساعت مقرر و مناسب و پرهیز از طولانی کردن آنها و سلب آسایش همسایگان. برای توفیق در این امر به سخنران و مداح تأکید نمایند در صورت امکان سر وقت در جلسه حضور یابند. ۹. میانه روی و اعتدال. رعایت اصل اعتدال، از جمله مسائلی است که هیئت داران باید سرلوحه کار خود قرار دهند. ۱۰. دوری جستن از مزاحمت و ایجاد صداهای گوشخراش. ۱۱. رعایت نکات بهداشتی در آشپزخانه، و پاک کردن خون حیواناتی که جلوی دسته ها سر می برند. ۱۲. چون برپایی عزای حسینی اعلان انتظار ظهور منتقم الهی

است از خدای بزرگ بخواهد همراهی با امام عصر (عج) در طلب خون سیدالشهداء علیه السلام را روزی او گرداند. اَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ مِنْكُمْ. [۴۰]. ۱۳. سیاه پوش کردن بخشی از محیط برای نشان دادن شدت مصیبت و غم و اندوه و استفاده از تبلیغات نمادین در بخش های دیگر. و نصب اشعار محتشم کاشانی و اشعار دعبل خزاعی (أَفَاطِمُ قَوْمِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ فَاذْبُي) ۱۴. بهره گیری از تراکت در مسیر رفت و آمد به مجلس. ۱۵. نصب تراکت [۴۱] سلام بر حسین علیه السلام در آبخوری مجلس و الصاق عکس حرم مطهر امام حسین علیه السلام و پرهیز از الصاق عکس های دروغین که به نام امام حسین علیه السلام و قمر بنی هاشم علیه السلام در بازار عرضه می شود. ۱۶. استفاده از پارچه نوشته هایی با خط زیبا که نام شهدای سرافراز کربلا در آن آمده است. ۱۷. اهداء کتاب های مفید به عزاداران در یکی از شب ها. ۱۸. جدا کردن در ورودی خانم ها و آقایان و محل استقرار آنان. ۱۹. توجه به دیدگاه و نظرات مراجع تقلید. اینها بخشی از انتظاراتی است که هر فرد دلسوخته و علاقه مندان به مجالس حسینی در این ایام از اداره کنندگان مجالس مذهبی دارد. از بنیان محترم استدعا دارم که در ضرورت امور فوق حقیقتاً بیندیشند و در جهت تحقق آنها تلاش نمایند.

وظایف اهل منبر

اشاره

قیام عاشورا، و مجالس و محافلی که مورد توجه وجود مقدس بقیه الله الاعظم حضرت مهدی (عج) هستند، همچون سلاحی نیرومند و کارآمد در دست عالمان دینی و گویندگان مذهبی و ذاکران حسینی است. نقش اینان که در راه حفظ این گوهر گرانبها و گسترش آن تلاش و ایثار می نمایند، همچون نقش انبیاء [۴۲] در ابلاغ پیام الهی خویش رقم زده شده است. لذا رسالت این فرزندگان در جامعه ولایی بهره برداری مناسب از

عاشورا به تناسب زمان و مکان است. بقاء دین در طول تاریخ و درخشان ماندن چهره آن عمدتاً مدیون روشنگری و تحریف زدایی همین گروه است. این همه آثار نیک از بناهای خیر عام المنفعه، مانند بیمارستان‌ها، پل‌ها، آب انبارها... و موقوفات برای نگهداری ایتام و اطعام بی‌نوایان و بسیاری از کارهای خیر دیگر، نتیجه بهره‌برداری صحیح روحانیون حقیقی از مجالس حسینی است. امروز نیز آن گرامیان باید ضمن معرفی رهبران دین و عرضه معارف اسلام و استفاده شایسته از عواطف پاک مردم و جهت دادن به آنها در مسیر تقوا، به حفظ و انتقال روحیه جهادگری و «فرهنگ شهادت‌طلبی» از طریق یاد شهدای کربلا پردازند و مردم را به طاعت خدای رؤف و مهربان ترغیب و از معصیت دور نمایند. و معلوم است که گذاردن وظیفه‌ای چنین سنگین و خطیر، جز از بزرگمندان دین شناس و تقوای پیشه بر نمی‌آید.

صلاحیت‌های علمی و عملی

تبلیغ دین علاوه بر ایمان و باور درونی دعوتگر، نیازمند تفقه (فهم عمیق) در دین و مجهز شدن به علوم و دانش‌هایی است که به نوعی شناسایی و شناساندن آن به دیگران با بهترین شیوه و نیکوترین روش دخیل است. در واقع بدون تردید علم و دانش مهم‌ترین سرمایه مبلغ و بی‌مایگی در علوم دینی مشکل‌ساز است. و اگر مبلغی استاد ندیده باشد و مطالعه مستمر نداشته باشد نمی‌تواند معارف ژرف و در عین حال بلند قرآن و اهل بیت علیهم السلام را به خوبی درک کند و کسی که خود مطلبی را به خوبی درک نکرده، قادر نیست آن را درست به دیگران تفهیم نماید. به تعبیر شاعر: ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش خشک ابری که بود ز آب تهی ناید از وی صفت آب دهینا بر این پیش از کسب مهارت‌های لازم و فراگیری فن خطابه و سخنوری همان به که از قبول سخنرانی خودداری نمایند. به قول مولوی: مدتی می‌باید لب دوختن وز سخن‌دانان سخن آموختن تا نیاموزد نگوید صد یکی ور بگوید، حشو گوید بیشکی

آگاهی از موضوع

آگاهی و تسلط کافی به موضوع سخنرانی و ابعاد و اطراف آن توان بازپروری داده‌های تاریخی. بنابراین مطلبی را که علم و آگاهی کامل بدان ندارد، نباید تبلیغ کند. چه، اگر مطلبی را ندانسته و درک نکرده بیان کند، کارش جز ضربه زدن به اسلام چیز دیگری نیست، چنان که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»؛ [۴۳] آنچه را که بدان علم نداری پیروی مکن. تحکیم منطق تبلیغ براساس حکمت و موعظه و گفتگوهای آرام.

برخورداری از کردار نیک و اخلاق رفیع اسلامی

مبلغ اسلامی باید خود را به ادب نفس بیاراید و در امر تزکیه و تهذیب نفس کوشیده و مراحل مختلف صعود به قله تقوا و خویشنداری را طی کرده باشد تا از کارایی لازم برخوردار بوده و بتواند در زمینه فراخوانی مردم به راه خدا و برخورد با انسان‌هایی که از روحیه‌های متفاوتی برخوردارند، موفقیت و پیروزی به دست آورد. مبلغان بزرگ، به وسیله اخلاق بلند پسندیده و اندرون تهی از رزایل و ملامال از فضائل اخلاقی، توانستند به موفقیت‌های بزرگ نایل شوند. مهم‌ترین اخلاق و صفاتی که یک مبلغ باید به آنها آراسته باشد عبارتند از: خوش‌خویی، مهربانی، فروتنی، نرم‌خویی، بردباری، شهامت حق‌گویی، عفت، عزت نفس و صداقت، روشنی و وسعت اندیشه، قدرت استدلال، رعایت نظم مطالب، گیرایی بیان.

محبوبیت

مبلغی که در دل‌ها نفوذ کرده و از محبوبیت والا در جامعه برخوردار است حرفش بیشتر موثر واقع می‌شود، پس هر کس می‌خواهد با سخنوری مسؤولیت الهی خود را انجام دهد و می‌خواهد از سخنرانی‌های خود نتایج مثبت و سودمندی بگیرد باید چنان زندگی کند که در بین مردم محبوب باشد. عوامل محبوبیت به طور فهرست‌وار عبارتند از:

خودشناسی و خودسازی، ساده زیستن، خدمت به مردم، تواضع به جا و نرمخویی، دفاع از ستمدیدگان، عمل به گفته‌ها، و کرامت و عزت نفس، جلب رضایت حق، استقامت، داشتن شرح صدر، برخورداری از حیا و عفت، داشتن مطالعه در زمینه‌های مختلف؛ صراحت لهجه، واقع‌بینی و حقیقت‌گرایی، مقدم داشتن منافع ملی و مصالح میهنی بر اغراض و منافع شخصی، بی‌طمعی.

تطابق کردار و گفتار

حاملان پرچم رسالت آسمانی باید خود پایبند گفته‌ها و الگویی از موعظه خویش باشند. این حقیقی است که مردم همواره از واعظان انتظار دارند، خود پایبند گفته‌هایشان باشند و آنچه را می‌گویند، به کار بندند و از آنچه باز می‌دارند، باز ایستند [۴۴]. در این صورت است که می‌توانند به ژرفای وجود مخاطبان راه یابند. دل و زبان چو یکی شد سخن بلند شود به هیچ جا نرسد طائری که یک بال استاگر گوینده‌ای بد عمل کند و یا خلاف آنچه به آن دعوت کرده رفتار نماید، سخت‌ترین آسیب‌ها به دین و دینداری وارد می‌شود! و اضافه بر این اگر ناطقی اخلاق و ملکات خویش را اصلاح نکرد و از فضایل اخلاقی برخوردار نبود سخنانش در دیگران اثر قابل توجهی نگذاشته و مجالس او ارزش خود را از دست خواهد داد و بجای هدایت، ضلالت آور خواهد شد. اگر قرار باشد که شخصی چیزی بگوید و خود بدان عمل نکند، علاوه بر تمام آثار سوء این کار، گناه بزرگی مرتکب شده و لااقل اثر آن این است که نوعی بدبینی نسبت به اسلام و تبلیغ‌کنندگان آن در میان مردم به وجود می‌آورد و مشمول این عتاب الهی خواهد بود که: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» [۴۵] آیا مردم را به نیکی امر می‌کنید و خویششان را فراموش می‌کنید؟

راستی و راستگویی

سفارش امام علی علیه السلام در این باره اساسی و کلیدی است: صدق و راستگویی یکی از فضائل اخلاقی است که برای همه خاصه گویندگان و مداحان، - که مردم آنها را به خیر و صلاح می‌شناسند - واجب و لازم است. زیرا بنیان فرهنگ عاشورایی امام حسین علیه السلام بر صداقت، راستی و درستی استوار است و دروغ و جمل، دقیقاً در مقابل این فرهنگ قرار دارد. قرآن در مقام ستودن اوصاف پیامبران، بر راستگویی آنان تکیه کرده است. [۴۶] و از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ؛ [۴۷] همانا خدای باعزت و جلال هیچ پیغمبری را مبعوث به رسالت نفرمود مگر با دستور به راستگویی و برگرداندن امانت گذاران، چه نیک و چه بد». واعظان و ذاکران باید از خواندن روضه‌ها و اشعار دروغین به انگیزه گریاندن مستمعان پرهیزند. اگر در مجالس ذکر و مرثیه، دروغ رایج گردد، شنوندگان به تدریج ایمان و اعتماد خود را به اشعار و روضه‌ها از دست خواهند داد. از سوی دیگر ناطق و مداحی که هنجارهای شرعی را رعایت نکرده و با رویکردی کاذبانه به گرم کردن مجلس خویش دست می‌زند، هم به رزاقیت خدای فیاض ایمان ندارد و هم با ایمان و عقیده مردم بازی می‌کند. برخلاف تصور آنان که به عامل دروغ به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به متاع دنیوی چنگ می‌زنند، دروغ روزی را کم می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «دروغ روزی انسان را کم می‌کند». [۴۸] و علی علیه السلام فرمود: «اعتیاد به دروغ موجب فقر و بدبختی می‌شود». [۴۹]. گویندگان و مرثیه‌سرایان بر پایه آیه شریفه «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» [۵۰] می‌دانند آدمی، در رستاخیز مسؤول گفتار خود است، بنابراین بایستی از ذکر رخدادها و تحلیل‌های غلط که شاهدی بر صحت آنها وجود ندارد، خودداری کند، زیرا مطالب بی‌پایه و برداشت نادرست، آثار مخرب از خود بجا می‌گذارد و حداقل جامعه را برخلاف هدف امام حسین علیه السلام دچار رکود و رخوت می‌نماید. رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابازر فرمود: «مَا مِنْ خَطِيبٍ يَخْطُبُ إِلَّا عُرِضَتْ عَلَيْهِ خُطْبَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَا أَرَادَ بِهَا». [۵۱]. «هیچ

سخن‌گویی نیست که سخنی بگوید مگر آنکه روز قیامت سخنش و مراد و مقصودش را از آن به او عرضه می‌کنند»^۷. حفظ دین و احیای ارزش‌های اصیل اسلام و تشیع در برابر بدعت‌ها، تحریف‌ها، مسخ ارزش‌ها^۸. سعی و کوشش در توجه دادن مردم به قرآن و بهره‌گیری از آیات و روایات، و تفسیر و تحلیل زمینه‌های پیدایش عاشورا و تشریح اهداف و فلسفه قیام حسینی و پیام‌ها و عبرت‌های عاشورا و پرهیز از افسانه‌پردازی. از حسین، اکتفا به نام حسین نبود در خور مقام حسینلکه باید، که خلق دریابند علت اصلی قیام حسینش مکرر عزای او، که شود هر کسی واقف، از مرام حسین [۵۲].^۹ الگو ساختن پیشوایان معصوم برای جامعه^{۱۰}. چون پیرایش، پالایش و آرایش فرهنگ عمومی مردم، وظیفه گویندگان آگاه است، لذا داشتن شجاعت معنوی برای ابهام‌زدایی و خنثی‌سازی تبلیغات دشمنان و صیانت از عقاید اسلامی و جلوگیری از تحریف اهداف و ابعاد نهضت حسینی و تصحیح انحراف‌های فکری و توجیهی با اتکاء بر منابع موثق و با ارائه طریق، وظیفه سخنران مجلس است^{۱۱}. مرزبانی و خرافه‌زدایی و نفی و طرد اهل بدعت و اندیشه‌های باطل و آراء اختراعی و عدم استفاده از کتاب‌های ضعیف و تحریف‌گستر و توصیف صحنه کربلا و نقل حوادث عاشورا آن گونه که واقع شده است. زیرا دل‌ها به دست مقلب القلوب است، و اوست که رقت قلب ایجاد کرده و اشک‌ها را روان می‌سازد^{۱۲}. از ذکر فضائل و معجزات و مطالبی که اثبات و قبول آن برای عوام مردم دشوار یا غیر ممکن است. گرچه حق باشد - و چیزهایی که اثبات نشده و تنها برای برانگیختن احساسات مطرح گردیده است بایستی پرهیز کرد که خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله فرمود: «لَا تُحَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا لَا يَعْرِفُونَ، أَتُحِبُّونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ». [۵۳].^{۱۳}

درک شرایط زمانی و در غیر ایام عاشورا ذکر مصیبت‌های سخت نمایند که دل‌ها ریمیده نشود^{۱۴}. تقویت اخلاص زیرا اخلاص در واقع عمود خیمه تقرب به خدا و نور کلام و اعظان محسوب می‌گردد. مداحی و سخنرانی وقتی ارزش پیدا می‌کند و تقدس می‌یابد که با اخلاص انجام شود. علامه نوری طبرسی ضمن تأکید فراوان بر این مسئله

می نویسد: البته (مرثیه خوانان و روضه خوانان) باید بدانند و ملتفت بشوند که این عبادت، مانند سایر عبادات است و این عمل، آنگاه عبادت شود که در هنگام بجای آوردن آن، جز رضای خداوند و خشنودی رسول و ائمه هدی علیهم السلام غرض و مقصدی نداشته باشد و اگر دارد، همان مجرد یافتن ثواب‌های موعود و پاک شدن از گناهان مهلکه باشد که با اخلاص در عمل منافاتی ندارد. چه عمل باز برای فرمانبرداری (از) فرمان حضرت باری تعالی است که به وسیله آن، ثواب‌ها برسد و از شر گناهانش ایمن شود. [۵۴]. اگر انگیزه سخنان عشق و ایمان به خدای مهربان باشد بی تردید در نزد پروردگار مأجور خواهد بود و در نزد خلق هم ارج و ارزش زیادی پیدا می کند. اگر زندگی خطیبانی را که خدمتشان چشمگیر و نامشان درخشان مورد بررسی قرار دهیم، متوجه می شویم یکی از عوامل موفقیت و پیشرفت آنها، اخلاص بوده است. سخن کز دل برون آید نشیند لاجرم بر دل ۱۵. من نخواهم مزد پیغام از شما. عدم چشم داشت به اموال مردم و نفروختن این خدمت مقدس به بهای ارزان یکی از پیش شرطهای گام نهادن در میدان تبلیغ است. زیان می کند مرد تفسیردان که علم و ادب می فروشد به نانکجا عقل، یا شرع فتوی دهد که اهل خرد دین به دنیا دهد البته این بدان معنا نیست که اینان از سر عجب و تکبر هدایای مردمی را نپذیرند. مراد این است که وعظ و ارشاد و مداحی به عنوان شغل ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام قرار نگیرد. ۱۶. داشتن ظاهری آراسته. می دانیم که آراستگی و خوشبویی موجب رضای خدا و رغبت مردم است و رابطه‌ها را صمیمی تر می سازد، همان گونه که افراط در رسیدگی به سر و صورت و لباس و غذا، دافعه دارد، بی تناسبی بین موهای سر و ریش نیز دافعه دارد. آراستگی با سادگی نیز جمع می شود. ۱۷. در تنویر عقول و تطهیر نفوس بکوشد و فرهنگ دینی را قوت و عمق بخشد. و مجلس را در مسیر برپایی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر و عبادت خدا برای رسیدن به یقین و معرفت الهی جهت دهد. و رفتار مخاطبان را به وسیله التزام به عدالت و احسان و مکارم اخلاق تعالی بخشد. ۱۸. شناخت مردم و زمان، با رعایت مقتضای حال به تبیین

اصول اسلام و تعلیم عوام و بیان حقایق مکتب با بیانی متناسب با فاهمه شنوندگان و ظرفیت مخاطبان پردازد و از بیان سخنان پیچیده و نامأنوس و ارائه مطالب عقل ناپذیر - چه در حوزه روایت واقعه کربلا و چه در ساحت درایت آن - خودداری نماید که علی علیه السلام فرمود: «كَلِّمُوا النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ أَتُرِيدُونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ». ۱۹. تعمیق محبت عزاداران به امامان اهل بیت علیهم السلام برای مصون ماندن از آفات راه. ۲۰. تکراری نبودن! چون در عصر ارتباطات و انفجار اطلاعات کمتر کسی مایل است به توضیح واضح و مطالب تکراری گوش فرا دهد لذا یک مبلغ موفق همیشه مطالب نو برای مخاطبان خویش بیان می نماید و آنان را در یک جریان مستمر فرهنگی پیش می برد. سخنور نامدار و شاعر خوش گفتار سعدی چه شیرین سروده است: سخن گرچه دلبنده و شیرین بود سزاوار تصدیق و تحسین بود چو یک بار گفتی، مگو باز پس که حلوا چو یک بار خوردند، بس ۲۱. پرهیز از اطاله کلام و اطناب ملال آور که باعث خسته شدن شنوندگان است. رایموند و نکن گوید: «اگر شما شنوندگان را ترک کنید، بهتر از آن است که شنوندگان شما را ترک کنند». [۵۵]. ۲۲. مبادرت به تصحیح اشتباه بعد از وقوع. ۲۳. توقف کوتاه پس از اتمام سخنرانی برای پاسخگویی به مستمعان. ۲۴. پرهیز از بیان مطالب بی اساس و نوآوری های بی بنیاد نهراسیدن از گفتن «نمی دانم» که این سخن نشانه بزرگواری و پارسایی و نیمی از دانش است. هیچ کس از یک گوینده انتظار ندارد که همه چیز را بداند ولی امید آن را دارد که اگر چیزی را نمی داند، صادقانه بگوید نمی دانم. [۵۶]. ۲۵. اگر مجتهد نیست، در زمینه احکام فتوا ندهد زیرا در آیات فراوان از فتوای بدون علم نکوهش شده است از جمله طبق نقل تحف العقول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که بر مردم، بدون علم فتوا دهد، فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می کنند». ۲۶. تذکر و نقد کار مداح تازه کار در جلسه خصوصی در صورت نیاز. ۲۷. پرهیز از خودستایی و به کار نبردن کلمه «من». ۲۸. احترام به دیگر خطیبان مجلس. ۲۹. بدون وضو بر منبر قرار نگیرد. ۳۰. ذکر مصیبت در

خاتمه مجلس، ولو از روی مقتل. زیرا خداوند و جبرئیل و فرشتگان و بسیاری از انبیاء روضه خوان و گریه کننده بر امام حسین علیه السلام بوده اند و ترک آن، دوری از راه خدا و فرشتگان و پیشوایان دین است. متأسفانه عدم توجه به این امر مهم که نزد ائمه علیهم السلام اهمیت فراوانی داشته، مقدمه پیدایی بعضی آفات مداحی شده است. ۳۱. صبر در راه تبلیغ دین. ادای وظیفه تبلیغ به دلیل شرایط فرهنگی خاص حاکم بر برخی از محیطها چندان ساده نیست و قطعاً مسائل و مشکلاتی را به همراه خواهد داشت. لازمه اش تحمل سختی ها و بر خویشتن هموار کردن رنج است. آنچه را آدمی در دوران نوجوانی درباره موضوعی شنیده و به عنوان یک حقیقت و اصل مسلم پذیرفته به آسانی از آن دل نمی کند لذا برای قبولاندن نظریه صحیح به زبان و دقت بیشتر و شرح صدر احتیاج دارد و بدون صرف رقت و بردباری به موفقیت نمی رسد. افزون بر این گاه، مورد بی مهری مخاطبان واقع می شوند. ۳۲. آغاز منبر با نام نامی و یاد گرامی حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - و ختم مجلس با دعا و نیایش برای سلامتی و تعجیل در امر فرج آن حضرت.

نوی شاعران حسینی

توصیه های امامان اهل بیت علیهم السلام مبنی بر بزرگداشت واقعه دلخراش طف و عمق و شدت تراژدی عاشورا از عواملی است که بسیاری از ادیبان متعهد را از دوره های خفقان بار اموی و عباسی تاکنون تحت تأثیر قرار داد و عواطفشان را شعله ور ساخت و آنان سوگ سروده هایی از خود پیرامون واقعه کربلا بجای گذاشته اند. [۵۷]. شاعران پرشور آیینی با انشای اشعار نغز و بلند و دلنشین که بیانگر عزت و مظلومیت حسینی است قیام عاشورا و یاد حسین علیه السلام و مظلومیت آل علی و شهیدان راه حق و کشتگان نینوا را ترسیم می نمودند. و حکام و سلاطین اسلامی را به انتقام گرفتن از بنی امیه، که عامل حادثه هولناک طف بودند، سخت تحریک می نمودند. اگر مضمون پردازی متناسب با شأن اهل بیت و اهداف والای امامان به ادبیات عاشورا زیبایی و غنای خاص

نمی‌بخشید، این مجالس کمتر می‌توانست در جان سوگواران شور و انقلاب بر پا کند و آنان را متأثر سازد و شور درونی آنان را بر آشوبد، و شعور ناب را در آن فعال سازد. نقش شاعران با معرفت آیینی - که خامه خویش را در جوهر، عاشورا فرو برده و مظلومیت و عشق و حماسه را با خوش‌ترین واژگان و شکوهمندترین سوگ سروده‌ها نمایانده‌اند - در زنده نگاه داشتن و پایایی حماسه عاشورا و ترویج فضائل اهل بیت علیهم السلام و تعمیق محبت و معرفت این اسوه‌های زندگی اساسی و تحسین برانگیز است و شاعران اهل بیت منزلت والایی دارند. زیرا الگوهای بی‌بدیل آسمانی را که خالق هستی ستوده است، مدح می‌نمایند. آنچه شعرای اهل بیت باید مورد توجه قرار دهند بدین قرار است: ۱. داشتن غیرت دینی و پاسخ به اشعاری که به سفارش دشمن سروده شده است. ۲. مطالعه مقاتل صحیح و تاریخ‌های معتبر تا شعری که انشاء می‌شود اتکا به متون صحیح داشته باشد. امام حسین علیه السلام را صادقانه و عارفانه توصیف کند و منزله از هون و وهن و مبرای از تحجر باشد و فقط بر غم و اندوه و اشک و آه اقتصار ننموده، تصویری راستین از ستمکاری جاری شده بر علویان ارائه دهد. و از محتوای معتبر و آرمان‌گرا و قالب‌های وزین و سنگین و در عین حال زیبا و جذاب برخوردار باشد. ۳. آگاهی از تحریفات تاریخ عاشورا داشته باشد تا از گزند آفات این مسیر دور بماند. ۴. دور بودن از عقاید و افکار غلوآمیز را وظیفه خود بداند. زیرا ریشه‌های فکری امامیه که از قرآن کریم و سنت صحیح مایه گرفته است با تصورات غالیانه سرسبز دارد. شاعر مخلص اهل بیت در مدح پیشوایان دین نایستی راه افراط و زیاده‌روی را بی‌ماید و از محدوده‌ای که دین مبین تعیین فرموده، خارج شود. و اگر چه پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام انسان‌هایی نمونه هستند، که باید فضایل و مقامات و درجات بلند آنان را گفت و تصدیق کرد، اما افراط مقوله دیگری است که به شدت مورد نهی و نکوهش قرار گرفته است و پیشوایان با تمام تلاش خود را برای اصلاح این انحرافات و نجات آلوده‌شدگان به کار گرفته‌اند. علی علیه السلام درباره خود فرمود: «هَلَكَكَ فِي رَجُلَانِ: مُحِبٌّ غَالٍ وَ مَبْغُضٌ قَالٍ» [۵۸] دو

مرد (دو طرز تفکر) درباره من تباه و نابود شدند، (یکی) دوست افراطگرا و (دیگری) دشمنی که در دشمنی، زیاده‌روی نماید». آن حضرت در سخنی دیگر در پرهیز از غلو درباره اهل بیت علیهم السلام فرمود: «إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِينَا؛ [۵۹] از غلو و زیاده‌روی درباره اهل بیت پرهیزید». امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «إِنَّ قَوْمًا يَقُولُونَ مَا لَا نَقُولُ فِي أَنْفُسِنَا، نَبْرًا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ؛ [۶۰] گروهی درباره ما (خاندان نبوت) چیزهایی می‌گویند که ما خود نمی‌گوییم، از اینان بیزاری می‌جوییم و به خدا پناه می‌بریم». امثال این گونه روایات در کتب شیعه، فراوان یافت می‌شود و بزرگان شیعه نیز همین روش را پی گرفته‌اند؛ لذا پیروان آگاه ابا عبدالله علیه السلام به گوینده‌ای که اشعار غیر صحیح که از آن بوی کفر و شرک استشمام می‌شود، استفاده می‌کند، اجازه نمی‌دهند در مجالس حسینی به اجرای برنامه پردازد. ممکن است برخی با دستاویز قرار دادن برخی از احادیث مثل: «نَزَّلُونَا عَنِ الرَّبُّوبِيَّةِ وَ قُولُوا فِي فَضْلِنَا مَا شِئْتُمْ» [۶۱] سروده‌های غلوآمیز شاعران را موجه جلوه دهند، اما این پندار بر پایه درستی استوار نیست. زیرا همان‌گونه که یکی از فقهای عالیقدر معاصر مرقوم فرموده‌اند «اعتبار این حدیث محقق نیست و ضعیف است».

[۶۲]. ۵. شعرش بدآموزی نداشته باشد. در بعضی یادداشت‌ها آمده است، شاعری زبردست و ولایی که حاجب تخلص داشت، در وصف امیر مؤمنان علیه السلام شعر نامناسب زیر را سرود: حاجب اگر معامله حشر با علی است من ضامنم، تو هر چه بخواهی گناه کنانین محبت کاذب که در این بیت ترویج شده بسیار خطرناک و چراغ سبزی برای بزهکاران است. شنونده یا خواننده اسیر دام هوس به واسطه اعتماد بر مضمون این بیت، دیگر اهمیتی به سیئات و گناهان نمی‌دهد و عملاً بی‌تقوایی و بی‌پروایی از خدا را پیشه خود می‌سازد در حالی که امام حسین علیه السلام کشته نشد که به دست ما در گناه باز باشد بلکه به شهادت رسید تا ریشه گناه سوزانده شود. جالب توجه آنکه شاعر مزبور شبی در عالم رؤیا علی علیه السلام را دید، امام به او فرمود: حاجب این چه شعری است که گفته‌ای؟ شاعر گفت: چگونه بسرایم؟ امام علیه السلام پاسخ داد: حاجب اگر معامله حشر

با علی است شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن ۶. رعایت ادب و احترام به اهل بیت علیهم السلام. از آنجا که ستایشگران و شاعران آیینی در خدمت ذوات مقدس مثل اعلای انسانیت و تندیس اخلاق هستند، بایستی در نهایت ادب و فروتنی از آنان سخن بگویند. در به کار بردن کلمات احترام آمیز نسبت به آن بزرگواران نهایت دقت را داشته و بدین سان حرمت و عصمت آنان را پاس بدارند. و از به کارگیری عبارات خارج از شأن والای ائمه هدی علیهم السلام و مضامین واهی و یا مجعول که نوعی تحقیر و کوچک شمردن ایثارگران کربلا و نشانگر ضعف و ناتوانی و ذلت پذیری و خواهش امام حسین علیه السلام و یارانش در مقابل دشمن است و باکیان ذاتی این شخصیت استثنایی در تعارض است، جداً پرهیز کنند. در برخی موارد توجه افراطی مرثیه سرایان و نوحه خوانان به عناصر عاطفی برای گرفتن اشک از مخاطبان منجر به اشعاری بس منفعلانه از اعمال و رفتار قهرمان عاشورا در برابر دشمنانشان شده است. عالم متقی مرحوم محدث قمی نوشته است: مطلبی را که ذلت امام حسین علیه السلام و اهل بیت گران مقامش را برساند، نگو زیرا آن جناب آقا و بزرگ سرافرازان و غیرت مداران بود. جان دادن زیر شمشیر را بر خواری و ذلت برگزید و بانداى بلند و آتشین روز عاشورا فریاد کرد: «أَلَا وَانَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدَرَكُزَّ بَيْنَ اثْنَيْنِ: بَيْنَ السَّلَّةِ وَالدَّلَّةِ وَهِيَ هَاتِ مَنَا الدَّلَّةُ يَا بِي اللَّهُ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ». [۶۳] ناپاک پسر ناپاک (ابن زیاد) مرا بر سر دو راهی نگه داشته است مرگ یا ذلت. هرگز تن به ذلت نمی دهم. هیهات که زبونی را قبول کنم. خدا آن را برای ما نمی پذیرد پیامبر و مردان با ایمان نیز از پذیرش آن ابا دارند. بر ما گمان بردگی زور برده اند ای مرگ همتی که نخواهیم این قیود اکنون که دیده هیچ نبیند به غیر ظلم باید ز جان گذشت کزین زندگی چه سوداستاد محدث متبحر حاج میرزا حسین نوری - خدا مرقدش را نور باران کند - در «دارالسلام»، حکایتی دارد که گزیده آن چنین است: یکی از سادات اهل منبر در خواب دید، رستاخیز برپا شده است و مردم وحشت زده اند و هر کس به احوال خویش مشغول است. کار گزاران و موکلان حساب،

مردم را به پای حساب می‌برند و با هر فردی گواه و مأمور جلبی است، تا اینکه مرا به پای حساب بردند. در آنجا منبری بود بسیار بلند و پرپله. سید المرسلین، صلی الله علیه و آله بر بالای منبر نشسته و علی علیه السلام بر پله اول بود و مردم را حساب می‌رسید. همه در برابر او صف کشیده بودند. نوبت به من رسید با عتاب به من فرمود: چرا فرزند عزیزم حسین را به خواری نام بردی و او را به خواری نسبت دادی؟ من در جواب آن حضرت حیران شدم و چاره‌ای جز انکار ندیدم. ناگاه در بازوی خود دردی احساس کردم، گویا میخی بر آن فرو کردند. چون به پهلوی خود نگاه کردم، دیدم مردی طومار در دست دارد. آن مرد طومار را به من داد. طومار را گشودم، تمام صورت مجلس‌ها و مناظر من در آن، به طور مفصل، ثبت شده بود. آنچه از من پرسش شده بود و من منکر گشتم در آن درج شده بود. آن خواب سبب گردید که آن سید منبر و موعظه را رها کند. [۶۴]

سید حمیری که از شاعران متعهد است روزی با جعفر بن عفان برخورد کرد، سید حمیری به وی گفت: وای بر تو آیا درباره آل محمد صلی الله علیه و آله این گونه شعر می‌سرایی؟ ما **بِأَلِّبَيْتِكُمْ تَخْرُبُ سَقْفَهُ وَثِيَابِكُمْ مِنْ أَرْضِ الْأَثْوَابِ** چه شد خانه‌تان که سقفش خراب است چرا جامه‌تان پست‌ترین جامه‌ها شد جعفر در پاسخ گفت: مگر غیر از این بود؟ سید حمیری با ناراحتی گفت: اگر از مدح نیکوی آنها ناتوانی، لب فروبند. آیا آل محمد علیهم السلام، را این گونه وصف می‌کنند؟ من تو را معذور می‌دارم، طبع تو چنین است و سطح فکرت همین قدر است ولی من مدحی گفته‌ام که ننگ مدح تو را از دامن پاک آنان می‌زداید و آن این است: **أُقْسِمُ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ وَ الْمَرْءُ عَمَّا قَالَ مَسْئُولَانِ عَلِيٌّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ عَلِيُّ التَّقِيِّ وَ الْبَرُّ مَجْبُولُوْا إِنَّهُ كَانَ الْإِمَامَ الَّذِي لَهُ عَلَى الْأُمَّةِ تَفْضِيلِيٌّ قَوْلُ بِالْحَقِّ وَ يَعْنِي بِهِ وَ لَا تُلْهِهِ إِلَّا بِأَطْيَلِيْمَشِي إِلَى الْقَرْنِ وَ فِي كَفِّهِ أَيْضَ مَا ضَى الْاِحْدُ مَصْقُوْلَمَشِي الْعَفْرَنِي [۶۵]**

بَيْنَ أَشْبَاهِهِ أَمْزَجَهُ لِلْقَنْصِ الْغَيْلِذَاكَ الَّذِي سَلَّمَ فِي لَيْلَةِ عَلَيْهِ مِيكَالُ وَ جَبْرِيْلُمِيكَالُ فِي أَلْفٍ وَ جَبْرِيْلُ فِي أَلْفٍ وَ يَتْلُوهُمْ سَرَّافِيْلِيْلَةَ بَدْرٍ مَدَدًا أَنْزَلُوا كَانَهُمْ طَيْرٌ أَبَايْلَفَسَلْمُوا لَمَّا أَتَوْا حَذْوَهُ وَ ذَاكَ إِعْظَامٌ وَ تَبْجِيْلَارِي، درباره آن بزرگان چنین باید شعر گفت سروده تو لایق

تنگدستان و درماندگان است. سوگند به خدا و به نعمت‌هایش همانا آدمی مسؤول چیزی است که می‌گوید. همانا علی بن ابی‌طالب بر نیکی و پرهیزگاری سرشته شده است. او پیشوای هدایتگری است که بر همه امت برتری دارد. همواره سخن حق می‌گوید و به حق متوجه است و هیچ گاه کارهای باطل او را به خود مشغول نمی‌سازد. آنگاه که میدان جنگ را نیزه‌ها فرو گرفت و پهلوانان از آن می‌گریختند. او به سوی هم‌اورد خود می‌رفت در حالی که شمشیری بران و صیقل خورده در دست او بود. به شیری می‌ماند که در میان بچه شیران به راه افتاده و بیشه‌زارها او را برای شکار تهییج نموده است. او همان بزرگی است که در یک شب میکائیل و جبرئیل و اسرافیل و هزار فرشته بر او درود فرستاده‌اند. در شب بدر مانند طیر ابابیل آن فرشتگان برای یاری او فرود آمدند و چون در برابر علی رسیدند از روی تکریم و بزرگداشت بدرود فرستادند. جعفر، پیشانی او را بوسید و با ادب و احترام گفت: تو ای ابا هاشم به حق سرور شاعران و ما پیروان تویم. [۶۶]. بنابراین شاعران و مداحان باید شیوه شاعران پرشور شیعی چون کمیت‌ها، سید حمیری‌ها، عبد کوفی‌ها سید رضی‌ها و سید حیدر حلی‌ها و... را برگزینند. و شعری را که نماد حقیقت نهضت حسینی و ارزش آن باشد بسرایند و بخوانند و از خواندن اشعار ضعیف، سست و بی‌مدرک در مدح و رثای اهل بیت نبوت پرهیز کنند و از دروغ و جعلیات که موجب وهن مقام معصومین می‌شود دوری نمایند. شاعر ستایشگر بنام آیینی و مداح با اخلاص اهل بیت، جناب آقای غلامرضا سازگار (میثم) می‌گفت: روزی به دیدار مرحوم حجّه الاسلام علی اکبر صلح‌خواه متخلص به «خوشدل تهرانی» که تبیین اهداف مقدس نهضت حسینی را و جبهه همت خود قرار داده بود، رفتم، گفتم: حضرت امام، فرزند خود جناب حاج احمد آقا را با انعامی نزد من فرستاد و این انعام به خاطر این قطعه بود: بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین استحسین، مظهر آزادگی و آزادی است خوشا کسی که چنینش مرام و آئین استنه ظلم کن به کسی، نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین استهمین نه گریه بر آن شاه تشنه لب کافی

است اگر چه گریه بر آلام قلب، تسکین استیبین که مقصد عالی وی چه بُد ای دوست که درک آن سبب عزّ و جاه و تمکین استز خاک سرخ شهیدان کربلا خوشدل دهان غنچه و دامان لاله رنگین است [۶۷].

رسالت مقدس و بایدهای مداحی

از آنجایی که مداحی در ایام سرور و شادی و مرثیه خوانی در عزای معصومان مظلوم - که درود خدا بر آنان باد - هنری مقدس و حرفه‌ای بس والا و ارزشمند است و در صورتی که توأم با قصد قربت، باشد و همراه با رفتارهای خلاف شرع نباشد جزو کارهای عبادی است و برای تصدی آن شروط و قیودی وجود دارد، بر آنان که قصد پیوستن به جمع خدمتگزاران آستان والای امام حسین علیه السلام و مداحان با اخلاص اهل بیت علیهم السلام را دارند لازم است، اموری را پاس دارند تا در زمره بزرگ‌شماران شعائر الهی قرار گرفته، و بر ارشاد و هدایت بندگان خدا، و تبلیغ بالاترین رکن دین یعنی «محبت و ولایت» توفیق یابند و به پادشاهای فراوان دست یابند. بر آنان لازم است علاوه بر پیراستگی از بدی‌ها و تحصیل قداست روح و نزاهت جان و برخورداری از کردار نیک و اخلاق رفیع اسلامی (وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا). [۶۸] و رعایت تقوا از تمام آلودگی‌ها دوری کنند و به اوامر و نواهی خداوند پایبند باشند و به خاطر سالم ماندن از خطرات به خدا پناه برده و از او کمک بخواهند. و خداوند را شاکر باشند که مهر آل علی و عشق رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت را به عنوان بهترین سرمایه در دلشان قرار داد، آنان را به ولایت چهارده معصوم هدایت کرد و به آنان توفیق داد تا در زیّ شریف مداحان در آیند و احساس و زبان و هنر خود را در خدمت پیشوایان دین نهاد و عمری را در جهت عشق به اهل بیت علیهم السلام با حضور در جلسات مذهبی به ذکر ائمه اطهار بویژه گلگون کفن صحرای کربلا و یارانش بگذارند و قلب‌ها را عاشق شیدای چهره‌های پاک اهل بیت بسازند. از خدا بخواهند این

منصب ارادشان حفظ گردد. نماد خادمان ولایی ۱. مداح موفق برای ایفای نقش مهم مداحی قبل از اجرای برنامه می‌کوشد با شرکت در کلاس‌های مربوطه بر مجموعه‌ای از معارف علمی و تاریخی آگاهی پیدا کند تا معرفت خود را نسبت به ممدوحان بالا ببرد و با معرفت به منزلت واقعی آنان و توانایی برای مجلس‌داری به ستایشگری روی آورد. و ضمن مطالعه کتاب‌های معتبر در باب زندگی پیشوایان اسلام و خواندن مقاتل معتبر و استفاده از تجربیات اساتید و پیش‌کسوتان از متون ادبی هدفمند، اشعاری را دست‌مایه کار خود قرار دهد که جمال صورت را با کمال مضمون، یکجا داشته باشد و به دیگر عبارت افزون بر خصایص عاطفی و خیال، و به کارگیری صنعت‌های بلاغی، بار اعتقادی و پیام داشته باشد. و معرف مقام پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام، حقانیت، عزت و کرامت و در عین حال مظلومیت آنان باشد. مداحان جوان می‌توانند نیازهای ضروری کار خود را از مجموعه‌های شعری زیر برآورده سازند که مشتمل است بر مرثیه‌های آگاهی‌دهنده و متین و پر محتوا که سراینده‌گان آنها ظرافت لفظ را با صلابت و اتقان معنا چون شیر و شکر در هم آمیخته‌اند و فراهم آورندگان در سیاحتی روحانی گوهرهای درخشان از دل دریای ادب عاشورایی به دست آورده و سخاوتمندانه تقدیم خوانندگان خویش کرده‌اند. مجموعه‌های شعری که توسط آقای احمد احمدی بیرجندی، و مجموعه‌هایی که به انتخاب و اهتمام آقای محمد علی مجاهدی (پروانه)، و مجموعه‌هایی که به کوشش آقای محمد علی مردانی و نیز مجموعه‌ای که توسط آقای حاج علی انسانی و شاعر مجاهد و هدفمند، آقای حاج صادق تائب گزینش شده است. روشن است مداحی که استاد ندیده و در جهت غنای فکری و محتوایی برنامه خویش نمی‌کوشد و با علمای صالح ارتباط ندارد، نمی‌تواند مطالبی را در اختیار مداح گذاشته‌اند گرانباتر باشد. و نمی‌تواند کلمات عربی را که گاه جابجایی یک حرکت اعراب، معنی را خراب می‌کند صحیح تلفظ کند. ۲. اصلاح نیت و جلب رضایت خدای مهربان یکی از مسائل با اهمیتی که برای مدیحه‌سرایان و مداحان توجه به آن ضروری و

ارزش آفرین است پاکسازی نیت و دوری از ریا و ظاهر سازی است. چون عزاداری برای عزیزان درگاه خدا، امری عبادی (نه توصیلی) است [۶۹] و عبادت بدون قصد قربت و خلوص نیت مورد پذیرش واقع نمی‌شود، از این رو بایسته است مداح و ذاکر اهل بیت علیهم السلام اخلاص را که جوهر، خدایی است در خود پدید آورد و فقط برای رضایت خداوند و خشنودی پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان پاک مداحی کند تا عمل بی شائبه او نزد خدا و خلق و در پیشگاه ارواح طیبه معصومان مقبول واقع شود. در غیر این صورت هیچ تأثیری در قلوب بر جای نخواهد گذاشت و خواندنش تنها در بستر شنیدن جاری است و بس. علامه نوری طبرسی ضمن تأکید فراوان بر این مسئله می‌نویسد: البته (مرثیه خوانان) و روضه خوانان باید بدانند و ملتفت شوند که این عبادت، مانند سایر عبادات است و این عمل آنگاه عبادت شود که در هنگام بجای آوردن آن، جز رضای خداوند و خشنودی رسول و ائمه هدی علیهم السلام غرض و مقصدی نداشته باشد و اگر دارد، همان مجرد یافتن ثواب‌های موعوده و پاک شدن از گناهان مهلکه باشد که با اخلاصی در عمل منافاتی ندارد. چه عمل باز برای فرمان برداری از فرمان خود حضرت باری تعالی است که به وسیله آن، به آن ثواب‌ها برسد و از شر گناهانش ایمن شود. [۷۰]. ۳. قبل از اجرای برنامه با دعا و خواندن آیه الکرسی، دادن صدقه و استعاذه واقعی خود را به خدای توانا بسپارد و با استمداد از روح بلند چهارده معصوم پاک، برنامه خود را با نام خدای سبحان آغاز کند و بعد از آن درود و صلوات بر سرور عالمیان و آل پاک او بفرستد. ۴. هدف کلی او احیای امر و اندیشه امامان و ارزش‌های دینی، معنوی و فرهنگی و احیای روحیه جهاد و شهادت طلبی و زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی و حماسه آفرینان آن باشد. و از عواطف پاک دوستداران اهل بیت و جهت دادن به آنها در مسیر تهذیب نفس و آراستگی اخلاقی نیکو به نحو شایسته استفاده کند. و در بالا بردن سطح مطالبات بانیان و شنوندگان از کیفیت شعرها، شائیت سبک‌ها و نغمه‌ها، تلاش کند. ۵. نغمه‌ها و سبک‌های زیبای سنتی نبایستی غنا آور باشد و هیچ گونه شبهه و

شباهتی مستقیم با نغمات لهو و لعب نداشته باشد. مداحان، به لحاظ آنکه کارشان بر دو عنصر «صدا»، «شعر» متکی است، باید مواظب باشند غنا نخوانند زیرا در حرمت غنا میان عالمان شیعه خلاف نیست. [۷۱] و ادله منع، و عدم ثبوت مخصص، غنا کردن در مجالس حسینی نیز حرام است و از قداست و موقعیت آن می‌کاهد. در این بند از کلام سخن یکی از علمای بزرگ را نقل می‌کنیم که فرموده است: اعانت غناء بر بکاء و تفجع ممنوع است، چه دانستی که غنا، صوت لهوی است و لهو را با بکاء و تفجع مناسبتی نیست، بلکه بنا بر ظاهر تعریف مشهور که او را ترجیع مطرب دانسته‌اند همچنین است، چه طرب، مطلق اختلاف حالت است و طربی که حاصل می‌شود از او اگر سرور باشد منافی تفجع است نه معین بر او، و اگر حزن باشد به جهت آن است که در نفوس حیوانیه از فقد مشتیهات نفسانیه مرکوز است نه به جهت آنچه به سادات زمان و عترت خاتم پیغمبران رسیده، بر فرض که اعانت کند توقف مستحبی یا مباحی بر امری دلیل بر اباحه او نیست، بلکه لابد باید ملاحظه دلیل حرمت کرد، اگر بود بسیار خوب و الا به حکم اصل، محکوم به اباحه خواهد شد. به هر صورت جایز نیست تمسک در اباحه به اینکه مقدمه امر غیر حرام است. و آنچه از کلام او ظاهر می‌شود که فرموده در مرثیاتی طرب نیست، نظر به مثل مرثیاتی متعارفه نزد اهل دیانت است که مقصود ایشان از مرثیه جز تفجع نیست. و گویا حادث نشده بوده در عصر او مرثیاتی آن چنانی که اکتفا می‌کنند اهل لهو و خوش گذران‌ها از مردان و زنان به آن مرثیاتی از حضور مجالس لهو و ضرب اعود و اوتار و تغنی به قصب و مزمار، چنانچه شایع است در زمان ما، و چنانچه خبر داده پیغمبر صلی الله علیه و آله به نظیر او در آنجا که فرموده: *يَتَّخِذُونَ الْقُرْآنَ مَزَامِيرًا*. چنانچه زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام سفرش از اسفار لهو و نزهت شده برای کثیری از مترفین. و همانا پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داده به نظیر او در سفر حج و فرموده: اغنیای امت من برای نزهت حج می‌کنند، و اوساط برای تجارت، و فقرا برای سمعه و گویا کلام آن حضرت مثل کتاب عزیز است که وارد است در موردی و جاری است در نظیر او. ۶. مداحی را

وسیله کسب خویش نسازد. برگزار کنندگان مجالس حسینی ذاکر منیع الطبعی که رعایت انتساب خود را به خاندان وحی می کند و عزت نفس دارد، بسیار دوست داشته و او را بیشتر تحویل می گیرند و به عنوان گوشه‌ای از ارادت و عشق به ائمه هدی علیهم السلام از پرداخت وجه به آنان مضایقه نداشته و ندارند، لیکن تبدیل شدن این فرهنگ به نوعی کسب و کار سودآور و تعیین پیش شرطها و پیش پرداخت‌های مالی و حرفه‌ای شدن، وجهه مداحان عزیز را ملوک می سازد. در حدیثی حال این گونه مردم چنین بیان شده، گفته‌اند: **يَطْلُبُونَ الدُّنْيَا بِأَعْمَالِ الْآخِرَةِ؛** [۷۲] با کار آخرتی دنیا را می جویند. امام علی علیه السلام در نکوهش افرادی که از راه استفاده بی مورد از علاقه‌های دینی مردم امرار معاش می کنند فرموده است: **«الْمُسْتَأْكِلُ بَدِينِهِ حَظُّهُ مِنْ دِينِهِ مَا يَأْكُلُهُ.»** [۷۳] کسی که نان به دین می خورد، بهره او از دینش همان است که می خورد». تجربه نیز این واقعیت را تأیید می کند. اگر بانیان مجالس و مستمعان بینند مداحی همواره دم از پول می زند و خدای ناخواسته در رفتارش بی مبالاتی وجود دارد، عزت او از دست رفته و از نفوذ کلامش کاسته می شود و اسباب غیبت و تهمت علیه خود را نیز فراهم می سازد و این به هیچ وجه لایق شأن مداحان مذهبی نیست. چه بسیار افرادی که به واسطه عملکرد ناصحیح برخی از مداحان، از جمع این نوکرهای با اخلاص حسینی دلسرد شده‌اند. مرحوم آیت الله بیرجندی می نویسد: «احوط بلکه متعین آن است که شرط اجرت ننماید. چه موعظه و ذکر فضائل و مرثی اولیاء الله از عمده مستحبات است. و عمل واجب و مستحب شرعی آن است. که حق خداوند عزوجل است که آن را بجای بیاورد. پس بجای آوردن آن برای اجرت منافی با بودن آن است اداء حق الهی هر چند قصد قربت در آن شرط نباشد».

[۷۴]. ۷. پذیرش دعوت بانیان بدون تبعیض. یکی دیگر از بایسته‌های مرثیه‌خوانی و ذکر مصیبت خاندان وحی این است که ذاکران و مداحان بدون تبعیض هر جا که فرا خوانده می شوند، حضور یابند و به ارادت خالصانه مردم پاسخ مثبت بدهند و بین ثروتمند و مستمند، مسؤول و غیر مسؤول، شهری یا روستایی فرق نگذارند. بوده‌اند مبلغان و ذاکران

بزرگواری که دست رد به سینه هیچ مشتاقی ننهاده‌اند. و وقتی امر دایر شده، که در ساعتی معین در منزل کارگر فقیری انجام وظیفه کنند یا فردی ثروتمند، فقیر را ترجیح داده‌اند و معتقد بودند شاید امام زمان (عج) جلسه پر جمعیت فلان هیئت را نادیده بگیرد و در کوچه پس کوچه‌های شهر در جلسه کهنسال مخلصی که با حضور چند نفر محفل کوچک و بی‌ریایی تشکیل داده شرکت نماید. ۸. احیای نام یاران امام. به یاد کرد همه یاران پاکباز و اصحاب فداکار امام حسین علیه السلام و اسیران سرافراز کربلا توجه داشته باشد. تنها به ذکر مصیبت برخی از آنان بسنده نکند، زیرا در نمایش عاشورا همه سرباز - به معنی واقعی کلمه - بودند. نقش قهرمان را تنها بعضی از اصحاب بازی نکرده‌اند، بلکه هر یک در جای خود و بجای خود، سرباز و قهرمان بودند. ۹. یاد کرد از منتقم حقیقی. مجالس خود را با یاد حضرت مهدی (عج) - که منتقم حقیقی واقعه کربلا است - پیوند زنند و توسل به آن حضرت و دعا برای فرج حضرتش را در برنامه خود قرار دهند. ۱۰. رعایت احترام پیش کسوتان. هر قوم و ملت و صنفی پیش کسوتانی دارد که باید از تجربیات آنها استفاده کرد و به شخصیت آنان احترام گذاشت زیرا ایشان نیز همان رسالتی را به دوش کشیده‌اند که او ادامه‌دهنده آن است مگر نه این است که قرآن می‌فرماید: «وَالسَّبِقُونَ السَّبِقُونَ، أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ». [۷۵]. ۱۱. نیز بایستی به گویندگان، سرایندگان، خدمتگزاران مجالس حسینی احترام بگذارد، چرا که احترام به آنان، به نوعی احترام به امام حسین علیه السلام است. ۱۲. متانت و وقار توأم با تواضع: مداح مخلص ائمه‌علیهم السلام در مجلس حسینی جانب متانت و وقار را نگه می‌دارد و از به کار بردن عبارتهای مستهجن و قبیح در جلسات شادی و سرور می‌پرهیزد و مخاطبان را با تعبیرهای وزین مورد خطاب قرار می‌دهد زیرا می‌داند اگر عفت کلام و ادب را در این گونه مجالس مراعات نکند، مورد احترام مردم قرار نمی‌گیرد و به هدف خود که اقناع و ترغیب مستمعان است نمی‌رسد. ۱۳. مستند گویی. استوار بودن سخن براساس منابع و مآخذ قابل قبول و مورد اطمینان، خاصه در ماه مبارک رمضان. به قول حافظ: در بساط نکته‌دانان

خودفروشی شرط نیست یا سخن دانسته گو ای مرد بخرد یا خموشو زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست مربوط به حادثه عاشورا. ۱۴. اندازه نگهدار که اندازه نکوست. در ذکر مصائب اندازه نگاه دارند و از خواندن روضه‌های دلخراش و مصیبت‌های بسیار فجیع پرهیز کنند. هنرمند کسی است که بتواند از کنار مصیبت رد شود و مردم را به شور آورد. «کنایه» در ذکر مصیبت بهتر از صراحت است. ۱۵. اصلاح خطا. اگر در خواندن مرثیه اشتباهی کرد، در همان جلسه و اگر نتوانست در جلسه بعد، آن اشتباه را تصحیح نماید. ۱۶. مختصر و مفید. با رعایت زمان معین، مداحی را طولانی نکند خاصه در محافل که علاقه و زمینه کمتری نسبت به مداحی در آنها وجود دارد. به تعبیر شاعر: حکیم و عاقل و دانا کسی بود که سخن به فهم گوید و کم گوید و نکو گوید [۷۶]. ۱۷. استیذان. در مجالس خصوصی بدون اذن صاحب مجلس، به مداحی نپردازد. و در مکان‌های وقفی که متولی شرعی دارد، از متولی اجازه بگیرد. ۱۸. دوری از غرور. گاه کثرت مستمعان یا تعریف و تمجیدهای آنان و گاه عوامل دیگر سبب غرور مداح می‌شود که با دانش اندک ادعای دانایی تا عرش می‌کند! این روحیه اگر با تقوا و تزکیه نفس ریشه کن نشود، آفتی است بزرگ و مانع رشد و تکامل و اصلاح جان او. ۱۹. پرهیز از غلو. یکی از پی آمدهای بسیار زیان‌بار غلو در مقوله عزاداری، بالا رفتن ظرفیت سوء استفاده دشمنان از این گونه مراسم است؛ لذا یک مداح خوب از غلو دوری می‌گزیند. یعنی امام حسین علیه السلام را در جایگاه واقعی خودش معرفی کند نه کمتر و نه بیشتر، چون هر چیزی که از حد اعتدال خارج شود، موجب انحراف خواهد شد. محبت به معصومان نیز از این مطلب مستثنا نیست. همان طور که این انحراف در تاریخ رخ داد و موجب پیدایش غالیان شد. با کمال تأسف شنیده شده بعضی از مداحان به علت محبت خارج از حدی که تابع احساسات و تخیلات است، در حال مداحی از راه اصلی منحرف شده و سخنانی مطرح کرده‌اند که تا سر حد شرک بوده است! در این باب سخن‌ها دارم، ولی ناگفته اولی. برای در امان ماندن از غلو در مداحی، لازم است، همواره دیدگاه‌ها و نظرات مراجع

عالی قدر تقلید و بزرگان حوزه علمیه را مد نظر داشته باشند و از انجام هر نوع فعالیت مغایر با اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ایشان پرهیز کنند. ۲۰. پرهیز از به کار بردن القابی که به شدت از مقام ائمه‌علیهم السلام می‌کاهد. اغلب مشاهده می‌شود مداحان یا مرثیه‌سرایانی که به منظور عظمت دادن به حضرت امام زمان (عج) در مدیحه‌سرایی ایشان را به لقب «اعلی حضرت» می‌خوانند. این دلیل بر این است که فرهنگ و واژگانی این مدیحه‌سرا آنچنان محدود است که تصور نمی‌تواند بکند که همان لقب «امام» هزارها بار والاتر و بالاتر از این نوع القاب ساخته شده به دست بادمجان دور قاب‌چینان درباری است و هرگز در شئون این حضرات مقدس نیست که حضرت رضا ثامن الائمه‌علیه السلام را شاهنشاه بخوانند، در حالی که مرتبه شاهی بسی نازل‌تر از مقام امامت و ولایت است. [۷۷] همین جا باید افزود که کاربرد نامناسب اسامی معصومان در مداحی‌های امروزی موجب هتک حرمت امام و وهن عزاداری‌هاست. ۲۱. برپایی مجالس. مدیحت پرداز اهل بیت‌علیهم السلام نه تنها در جلساتی که دیگران تشکیل می‌دهند با اخلاص شرکت می‌کند و به هنگام استماع روضه حالت بکاء یا تباکی می‌یابد بلکه خود نیز در صورت توان اقدام به تشکیل جلسات به مناسبت ولادت و شهادت پیشوایان دینی می‌نماید و از وعاظ فاضل دعوت به عمل می‌آورد. و نیز در صورتی که مجلس نداشته باشد پای سخنان گوینده مجلس می‌نشیند. ۲۲. تنفر از تملق‌گویی. مداح چاپلوس کسی است که به انگیزه طمع برخلاف عقیده باطنی خود، لب به تمجید از صاحب مجلس می‌گشاید و با ثناگویی نابجا، شخصیت و ارزش انسانی خود را پایمال می‌کند. بنابراین یک مداح خوب اگر در مواردی لازم است از صاحب مجلس و دست‌اندرکاران مجلس روضه‌خوانی و خدمات مفید و انسانی آنها از باب «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ» [۷۸] تشکر کند، حد اعتدال را مراعات کرده از افراط و گزاف‌گویی و تعریف‌های غیر واقعی و توصیف‌های اغراق‌آمیز و چاپلوسی‌های گدامنشانه اجتناب نمایند که از علی‌علیه السلام روایت کرده‌اند: «كثْرَةُ الثَّنَاءِ مَلَقٌ يُحْدِثُ الزَّهْوَ وَيُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ» [۷۹] از زیاده‌روی در مدح

دیگران، چاپلوسی است که تکبر را به دنبال دارد. و شخصیت انسان را پایین می آورد. ۲۳. پرهیز از سوگند. خداوند حمید در قرآن مجید می فرماید: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ» [۸۰] خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید. امام صادق علیه السلام فرمود: «وَلَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِينَ وَكَاذِبِينَ». [۸۱]. به خدا سوگند مخورید چه راستگو باشید و چه دروغگو. زیرا قسم خوردن به الله جز برای اثبات حق در محکمه قضایی مکروه یا حرام است. ۲۴. دعوت میزبان خوشنام را در روستاها برای میهمانی بپذیرد. ۲۵. با طرح مسائل اختلاف انگیز خود را درگیر اختلافات دیگران نکند. ۲۶. در حرکت های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دقت کند که به دم یا قلم و قدم از سداد و وداد اعراض نکنند و خلاف شأن عمل نکنند و از زی ذاکران اهل بیت خارج نشود. ۲۷. هیئت ظاهری این طایفه جلیل، با مکانت او هماهنگ باشد. ۲۸. مداح باید کوشش کند از مواضع تهمت دوری گزیند، که گفته اند: «إِتَّقُوا مَوَاقِفَ الرَّيْبِ». در صورت عدم اجتناب از زمینه سازی اتهام خود و عموم مردم به خاطر سوء تفاهمی که پیدا می شود گرفتار سوء ظن و دیگر گناهان خواهند بود. ۲۹. پوشیدن لباس سیاه در دو ماه عزا (محرم، صفر)، دست کم در دهه محرم، بویژه روزهای تاسوعا و عاشورا. ۳۰. مراقب باشند که آلت دست و وسیله اجرای مقاصد پست مغرضان و مفسدان و افراد فرصت طلب واقع نشوند و در حدود وظایف و تکالیف شرعیه خود به مداحی پردازند. ۳۱. تکرار و تمرین داشته باشد تا مراثی و اشعار در ذهنش نقش ببندد و بتواند خود را تحت مراقبت های لازم قرار دهد. ۳۲. به مناسبت بخواند. ۳۳. خصوصیات منطقه ای و جغرافیایی منطقه ای که برای مداحی به آنجا می رود بشناسند و اهتمام به شکسته نشدن سنت های صحیح اجتماعی داشته باشند. ۳۴. مداحان عزیز که در منظر و مرآی مردمان وابسته به مکتب امام حسین علیه السلام شناخته می شوند، باید الگو و سمبل همه خوبی ها باشند. درست به خاطر همین وابستگی مردم انتظار دینداری تام و تمام از آنها دارند. از این رو آنان بیشتر از دیگران باید پایبند به دستورات و تعالیم اسلام باشند. گناه آنان با دیگران فرق دارد. زیرا هرگاه اینان بد عمل

نمایند، خطر سست شدن مردم کم ظرفیت و کاهش پابندی آنان به عزای امام حسین علیه السلام و حتی رویگردانی از اسلام جدی است. مردم نیز متوجه باشند که نمونه‌های فاسدی که در جمع مداحان وارد شده‌اند به ماهیت حقیقی آنها پی برده و آنها را به حساب دین و امام حسین علیه السلام نگذارد. ۳۵. انتقادپذیری. انتقادناپذیری نشان عجب و خودخواهی و دلیل کم‌دانشی است لذا مداحان مخلص به انتقاد صحیح به شیوه کارش با کمال میل توجه کرده و در صدد رفع نواقص برمی‌آیند و برای نظر، انتقاد و پیشنهاد مردم ارزش و احترام قائل می‌شوند. ۳۶. بی‌تکبر باشد تا مردم جذب او شوند. ۳۷. دارای اخلاق نیکو باشد. اخلاق نیکو از عوامل بسیار مؤثر در اثرگذاری پیام‌های مداحی است.

پاورقی

- [۱] نک: صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵۸، کتاب الجنائز، باب قول النبی انابک المحزون، و ص ۲۰۴، کتاب اصحاب النبی، باب مناقب خالد بن ولید؛ طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۱۱، مغازی واقدی، ج ۱، ص ۳۱۷ - ۳۱۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۱۱، سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۹۹، الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۱۳؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۴۳؛ السیره الحلیه، ج ۱، ص ۴۶۱.
- [۲] مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۴۰؛ طبقات ابن سعد، ج ۲، ص ۱۱، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۳۶۴.
- [۳] انساب الاشراف، بلاذری، ج ۲، ص ۲۷۶، الاستیعاب، ج ۴، ص ۲۳۸، اخبار مکه، فاکهی، ج ۳، ص ۸۰.
- [۴] السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۷۱.
- [۵] الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۰۲.
- [۶] به آورده فقیه نامی ملا احمد نراقی رحمه الله برخی فقها و مفسران را عقیده بر آنست که آیه ۳۲ مجادله «و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب» عمومیت و شمول دارد.

- عواید الايام، ص ۳۱.
- [۷] نمونه را نك: تاريخ طبرى، ج ۳، ص ۳۴۲، الاغانى، ج ۲۴، ص ۱۶۳؛ العقد الفريد، ج ۴، ص ۳۸۳.
- [۸] المنتظم، ج ۷، ص ۱۵، آل بويه از فقيهى، ص ۴۶۶؛ تاريخ الاسلام ذهبى، ذيل حوادث سال ۳۵۲؛ تاريخ ابن الوردى، ج ۱، ص ۲۸۰، عضدالدوله، ص ۱۱۹، [۹] خطط، ج ۱، ص ۴۲۷، چاپ بولاق؛ فاطمیان در مصر، ص ۱۱۶.]
- [۱۰] نك: الفرق بين الفرق، ص ۳۶، ابن تيميه، القرآن و السيف، المنتخب من مدونات التراث، ص ۳۷۲، بدايع الوقايح، ۱۳۵۶؛ النقض، ص ۳۷۳ - ۳۷۰؛ شيخ محمود شلتوت طلايه دار تقريب، ص ۳۰.
- [۱۱] از باب نمونه تنها در كتاب شناسى امام حسين عليه السلام اثر آقاى نجفلى حبيبي ۸۷۸ عنوان كتاب درباره حسين بن على عليه السلام معرفى شده است و نیز نك: كتاب شناسى تاريخى امام حسين عليه السلام از محمد اسفنديارى و كتاب شناسى اختصاصى امام حسين عليه السلام از حشمت الله صفرعلى پور.
- [۱۲] عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۶۰؛ بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵، ج ۹۴، ص ۱۸۴.
- [۱۳] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۱، صحيح ترمذى، ج ۲، ص ۳۰۷؛ صحيح ابن ماجه، باب فضائل اصحاب رسول خدا صلى الله عليه وآله؛ مستدرک الصحيحين، ج ۳، ص ۱۷۷؛ فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۲۶۲.
- [۱۴] آغاز اسلام به وسيله محمد صلى الله عليه وآله، و بقاء آن به همت حسين عليه السلام مى باشد.
- [۱۵] نیز نك: صحيفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.
- [۱۶] دور المنبر الحسينى فى التوعيه الاسلاميه، ص ۱۱۳ - ۱۱۲؛ منهج فى الانتماء المذهبى، ص ۳۲ - ۳۱؛ لقد شيعنى الحسين عليه السلام، ص ۶۵ - ۶۳ و ۳۱۵ - ۳۱۳؛ آنگاه

- هدایت شدم، ص ۹۶-۹۸ به نقل از واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات.
- [۱۷] نک: صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱ و ج ۱۶، ص ۲۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۵۵.
- [۱۸] زندگی آیت الله بروجردی، ص ۱۴۶.
- [۱۹] نک: راه و رسم تبلیغ، کبریت احمر.
- [۲۰] نک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۳۶۸؛ الامالی، ص ۲۱۴؛ معاهد التنصیص، ص ۱۶؛ الغدیر، ج ۲، ص ۱۹۲۰ - ۱۹۳، ۳۶؛ نفس المهموم؛ مثیر الاحزان، ص ۴۴؛ ادب الطف، ص ۵۳ - ۵۲.
- [۲۱] وسائل الشیعه، چ آل بیت، ج ۱۴، ص ۵۹۲-۵۹۴؛ رجال کشی، ج ۳، ص ۱۸۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۸۳.
- [۲۲] نمونه‌هایی از سوگ سروده‌های معصومان علیهم السلام در این منابع آمده است: سفینه البحار، ج ۳، ص ۳۰۴ - ۳۰۲؛ ادب الطف، ج ۳، ص ۳۰۴ - ۳۰۰ و ج ۷، ص ۶۲۱ - ۶۲۰؛ روائع الاشعار من دیوان الائمة الاطهار، ص ۴۱۷ - ۳۹۸، ۴۰۲ - ۳۹۵.
- [۲۳] نک: البكاء للحسین علیه السلام از میر جهانی.
- [۲۴] نک: بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۴۳۴. تباکی یعنی خود را به گریه واداشتن و تعاون و همراهی و همیاری در آن.
- [۲۵] امالی شیخ صدوق، ص ۱۱۲.
- [۲۶] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶. ج ۱۰۱، ص ۱۰۳ به نقل از عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۹۹ و امالی صدوق، ص ۱۲۹.
- [۲۷] درباره این موضوع در کتاب راهیان کوی یار سخن گفته‌ایم. نیز نک: نورالعین فی المشی الی زیارة قبرالحسین علیه السلام.
- [۲۸] نک: الارض و التربة الحسينية، ص ۳۲؛ مقتل الحسين علیه السلام از مقرر، ص ۱۳۱.
- [۲۹] نک، تاریخ النیاحه علی الامام الشہید، ص ۱۲۰؛ المجالس السنیه، ج ۵، ص ۱۲۳.
- [۳۰] درست است که فرهنگ عاشورا که گنجینه عظیمی برای جستجوی اسلام ناب

است اما به دست دشمنان دانا و دوستان نادان دچار آفت شده و منبر گرانقدر با همه ظرفیت‌هایش در اختیار بعضی از مداحان و سخنرانانی قرار گرفته که یا از توان علمی قبل اتکایی برخوردار نیستند یا به هیچ روی، مصالح جهان اسلام و نظام اسلامی را نمی‌شناسد و پاس نمی‌دارند! و مدیریت آیین عزاداری گاه در دست کسانی افتاده است که نه با حقایق دینی آشنایی عمیق دارند و نه اوضاع زمانه و مصالح مهم‌تر را می‌شناسند. و بهره‌برداری غلط و بسنده کردن به گریستن و گریاندن آن هم به هر نحوی و با استفاده از هر امکانی ولو غیر شرعی در خور مجالس حسینی نیست، اما باید قبول کرد که این امور دلیل نمی‌شود که اصل آن و نقش هدایتگرانه و ظرفیت بهره‌برداری آن را نادیده بگیریم و از مجالسی که می‌تواند سازنده باشد جلوگیری کنیم. بلکه لازم است زعمای ذاکران، مداحی را تحت تشکیلات مخصوصی درآورند و آگاهان و آگاهی‌بخشان با آشنایی به وظائف خود محتوای این برنامه‌ها را به نفع مکتب تشیع و آرمان شهیدان تغییر دهند و از این فرصت گرانبها که بیش از هر موقعیت دیگری، شیفتگان اهل بیت را گرد هم می‌آورد، و دل‌های آنان را نرم و پذیرای مواعظ و معارف می‌نماید، در جلوگیری از مفاسد فردی و اجتماعی مسلمانان و تجهیز نیروهای مردمی در راه دفاع از مرزهای جغرافیایی و دین مسلمانان بهره کافی بگیرند و در قبال مواریث عظیم و گرانقدر عاشورا رفتارهای بسامان‌تر و سنجیده‌تری صورت دهند تا دشمنان فرصت طلب شیعه نتوانند از آن استفاده سوئی ببرند و این نور را خاموش کنند. مرجعیت شیعه می‌تواند در نظارت بر این راه مؤثر باشد.

- [۳۱] امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵؛ عیون اخبار الرضاعلیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۰ - ۲۹۹.
- [۳۲] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۱.
- [۳۳] سوره مجادله، آیه ۱۱.
- [۳۴] وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۹.

- [۳۵] سوره مائده، آیات ۷۹ - ۷۸.
- [۳۶] امالی صدوق، مجلس ۲۷، ح ۴.
- [۳۷] بزرگی گفته است: «اخلاص آن است که چون عمل کنی، دوست نداری تو را بدان یاد کنند و... بزرگ دارند. و طلب نکنی ثواب عمل خویش از هیچ کس، مگر از حق تعالی». تذکره الاولیاء، ص ۴۱۲.
- [۳۸] نک: الشعائر الحسينیه فی المیزان الفقہی از عبدالحسین حلی، تحقیق نزار حائری، ص ۲۱۱-۲۱۲.
- [۳۹] این جوابیه، در تاریخ پنجم ربیع الاول سال ۱۳۴۵ مرقوم شده است. نک: فتاوی علماء الدین حول الشعائر الحسينیه، ص ۲۴ - ۲۱.
- [۴۰] زیارت عاشورا، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۹۵.
- [۴۱] تراکت عبارت است از کاغذهایی در یک قطع که جملات یا طرح‌هایی بر آن نقش بسته است.
- [۴۲] خداوند در قرآن مجید منصب عظیم و عظمی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله اعطا نموده و فرموده: قل انما اعظکم بواحدہ (سوره سبأ، آیه ۴۶)؛ ادع الی سبیل ربک بالحکمۃ و المواعظۃ الحسنۃ (سوره نحل، آیه ۱۲۵).
- [۴۳] سوره اسراء، آیه ۳۶.
- [۴۴] من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره، و لیکن تأدیبه بسیرته قبل تأدیبه بلسانه، و معلم نفسه و مودبها احق بالاجلال من معلم الناس و مودبهم. نهج البلاغه، حکمت، ج ۷۳. سعدی گوید: راستی کردند و فرمودند مردان خدای ای فقیه اول نصیحت گوی نفس خویش را.
- [۴۵] سوره بقره، آیه ۴۴.
- [۴۶] سوره مریم، آیه ۴۱، سوره تحریم، آیات ۵ و ۵۹ - ۵۶، سوره یوسف، آیه ۴۶.
- [۴۷] سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۷۳،

- [۴۸] جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۷ - ۳،
- [۴۹] سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۷۳،
- [۵۰] سوره ق، آیه ۱۸،
- [۵۱] مجموعه ورام، ج ۲، ص ۵۵؛ امالی شیخ طوسی، ج ۲، ص ۱۴۳،
- [۵۲] صابر همدانی، حسین پیشوای انسان‌ها، ص ۵۳،
- [۵۳] غیبت (نعمانی)، ص ۳۴،
- [۵۴] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴.
- [۵۵] عطر اندیشه‌های بهاری، حسین سیدی، ص ۱۳۵.
- [۵۶] وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ، نهج البلاغه صبحی صالح، حکمت ۸۲؛ غرر الحکم، ص ۸۰۵
- [۵۷] استاد جواد شبر، بخشی از مرثی سیدالشهداء را در فرهنگی قطور به نام ادب الطف در زیاده از یازده جلد فراهم آورده است.
- [۵۸] نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ش ۱۱۷. و چاپ فیض الاسلام، حکمت ش ۱۱۳،
- [۵۹] غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۲۴،
- [۶۰] بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۸۶،
- [۶۱] اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء علیها السلام، ص ۶۴،
- [۶۲] ولایت تکوینی و ولایت تشریحی، از آیت الله صافی گلپایگانی.
- [۶۳] مشیرالاحزان، ص ۵۵؛ تحف العقول، ص ۱۷۱؛ مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۷ و ۸.
- [۶۴] دارالسلام، ج ۲، ص ۲۳۴.
- [۶۵] اَسَدٌ عَفْرَنِي: ای شدید.
- [۶۶] دیوان السید الحمیری؛ چاپ دار صادر بیروت، ص ۱۳۲ - ۱۳۱ و الغدیر، الجزء الثانی (جلد ۳ چاپ جدید)، ص ۳۸۲.

- [۶۷] دیوان خوشدل تهرانی، ۷۴۵؛ اشک خون، ص ۲۲۱.
- [۶۸] سوره فصلت، آیه ۲۳: چه کسی خوش گفتارتر است از آن کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل شایسته انجام دهد.
- [۶۹] نک: اکسیر السعادة فی اسرار الشهادة از فاضل دربندی، ص ۲۲-۱۷.
- [۷۰] لؤلؤ و مرجان، ص ۱۴،
- [۷۱] نک: کافی، ص ۴۳۱، ح ۴ و ۵، ص ۴۳۴، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۵ - ۳۰۳، ح ۲۲۵۹۴، ۲۲۵۹۹ و ۲۲۶۰۰؛ تهذیب، ح ۶، ص ۱۰۱۸ - ۳۵۶، ص ۳۵۷، ح ۱۰۱۰۲۰ - ۱۰۱۱۹، استبصار، ج ۳، ص ۶۱، ح ۲۰۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۸؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۸. شیخ طوسی در خلافتی و ابن ادریس در سرائر، ج ۲، ص ۲۲۲، با جمعی دیگر در تحریم مطلق غنا نقل اجماع کرده‌اند و جمعی مانند محقق در شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۱۰، و علامه درالتحریر، ج ۱، ص ۱۶۱ - ۱۶۰، قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۱۲۰ و شهید ثانی در الروضة البهیة، ج ۳، ص ۲۱۳ - ۲۱۲، تصریح به شمول تحریم غنا در قرائت قرآن و مطلق شعر فرموده‌اند و به مقتضای عموم احادیث.
- [۷۲] بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۳
- [۷۳] همان، ج ۷۸، ص ۶۳
- [۷۴] کبریت احمر، ص ۳۷
- [۷۵] واقعه، ۱۱ - ۱۰
- [۷۶] کلیات سعدی، ص ۱۶۴
- [۷۷] هگمتانه تا همدان، ص ۴۰۰
- [۷۸] آنکه از آفریده تشکر نکند، شکر آفریدگار را هم به جا نیاورده است.
- [۷۹] غرر الحکم، ۵۶۳
- [۸۰] سوره بقره، آیه ۲۲۴؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸
- [۸۱] وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷.